

در این مقاله ضمن اشاره به تاریخچه تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران به‌طور مقدمه خلاصه‌ای از فعالیت‌های مطبوعاتیان در راه تشکل‌های صنفی مطبوعات اعم از کارفرمایان (صاحبان امتیاز و مدیران مسؤل و سرمایه‌گذاران) اعضای تحریری (نویسندگان، خبرنگاران، مترجمان، کاریکاتوریست‌ها، خبرنگاران عکاس و گرافیک‌های شاغل در مطبوعات) کارکنان وسایل ارتباط جمعی، صاحبان و مدیران چاپخانه‌ها، کارگران چاپخانه‌ها، فروشندگان و توزیع‌کنندگان جراید را نیز که هر کدام جداگانه یا بعضاً به کمک سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در زمینه امور مطبوعات نقشی داشته‌اند و در راه تأسیس و اداره سندیکاها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، کانون‌ها، جمعیت‌ها، سازمانها و باشگاهها و تشکیلات صنفی مشابه فعالیت کرده‌اند، نوشته‌ام.

البته برخی همکاران مطبوعاتی و بعضی نویسندگان و محققان کم و بیش در این باره مطالبی نوشته‌اند که در برخی کتب و بعضی روزنامه‌ها، مجله‌ها و فصلنامه‌ها درج گردیده است. این جانب نیز طی مصاحبه‌ها و گفتگوهایی که در سالهای اخیر با بعضی همکاران مطبوعاتی پیرامون این مسأله داشته‌ام، ضمن اشاره به تاریخچه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در گذشته و شرایط فعلی آن، شمه‌ای را هم به مسائل و مشکلاتی که در راه تشکل‌های صنفی مطبوعات وجود داشته مطالبی را ذکر کرده‌ام که قسمت‌هایی در چندین مجله و روزنامه و نشریه‌های مختلف در سالهای اخیر درج و نشر شده است. از جمله: آتیه، اطلاعات، اخبار، ایرار، ایران، آرمان، آدینه، دانش و فن،

رسانه، جامعه سالم، دنیای سخن، گزارش، جهان هوانوردی، طلوع زندگی، حدیث کرمان، صنعت حمل و نقل، همشهری، هوشیار و ...

وقایعی که طی نزدیک به یک قرن اخیر از یکصد و شصت سال تاریخ نشر مطبوعات فارسی زبان در ایران در راه تأسیس تشکلهای صنفی مطبوعات و کار چاپ و توزیع جراید رخ داده بسیار زیاد است که با محدودیت صفحه‌های این شماره مخصوص فقط می‌توان فشرده‌ای از آن‌ها را درج کرد و نظر علاقه‌مندان به آگاهی از تاریخچه کامل تشکلهای مطبوعاتی در ایران را به یک مجلد از کتاب تاریخ مطبوعات ایران، تألیف نگارنده این سطور که آماده چاپ است جلب می‌نماید.

حدود ۱۶۰ سال از انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان در ایران می‌گذرد، در طول نزدیک به شصت سال اول آن خبری از فعالیت و کوشش صنفی نه از طرف کارفرمایان و نه از جانب اعضای تحریری مطبوعات یا توسط کارکنان اداری جراید برای تجمع روزنامه‌نویسان زیر یک سقف و یا فعالیت آنان برای تأسیس یک تشکیلات صنفی مطبوعاتی و چاپخانه‌داری ثبت نشده است. آنهم مشخص است. علاوه بر اینکه در مدت مذکور تعداد روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها انگشت‌شمار بود و هر نشریه در چند صد نسخه چاپ می‌شد، مهمتر این بود که تمام نشریات آن دوره زیر نظر مستقیم مقام‌های مسؤول دولتی، مخصوصاً زیر نظر وزارت انطباعات چاپ و منتشر می‌شد و مطالب آنها عمدتاً پیرامون دید و بازدیدهای شاهانه و درباریان و حکام وقت و مسائلی از این قبیل بود.

در این دوره قریب شصت سال نه فقط این جراید حق انتقاد و اظهار نظر و پیشنهاد نداشتند، بلکه اشاره به کلمه: «آزادی» در جراید از جرایم بزرگ آن دوره بود، بطور مثال روزنامه‌ای که به زبان فرانسوی برای نخستین بار در سال ۱۲۹۳ قمری بنام «لاپاتری» که فقط در چند صد نسخه در تهران چاپ و منتشر می‌گردید، چون در یکی از شماره‌های آن ذکری از آزادی کرده بود که موافق طبع شاه واقع نشد، و بی‌درنگ دستور توقیف آن صادر شد. اما پس از آنکه بر تعداد مطبوعات فارسی زبان در خارج از ایران افزوده شد، چون بسیاری از آنها به صورت مخفی یا غیر مخفی نسخه‌هایی به ایران می‌رسید، در بیداری ایرانیان مخصوصاً روشنفکران و مطبوعاتیان که در نهضت مشروطیت فعال شدند، سهم مهمی داشتند.

گفتنی است گروهی که از سالها قبل جهت تحصیل منجمله در رشته ادبیات و روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ به خارج از ایران مخصوصاً کشورهای اروپایی سفر کرده بودند و با دنیای غرب و مطبوعات آنجا آشنایی‌هایی پیدا کرده بودند، اینان پس از بازگشت به ایران برای رشد و آگاهی مردم اقدام به نشر تعداد زیادتری روزنامه و هفته‌نامه به زبان فارسی در ایران کردند و در نتیجه در میان عده‌ای از نویسندگان و مطبوعاتیان و روشنفکران و آزادیخواهان فکر ایجاد تشکیلات صنفی قوت گرفت و بنا به نقل قول‌ها و دست‌نوشته‌های موجود، در دوره مذکور تعدادی از نویسندگان و مطبوعاتیان در خانه‌های خود به بهانه دید و بازدید، جلساتی تشکیل می‌دادند و پیرامون وضع

عنوان رساله

تقدیرات و مطالبات

مطلبان آلمان کویت

طهران ..... دوقومان

مذبح کل تاظم الاسلام کولت

ساز برادر شاه بنیامین

عنوان کار و نوبت

دفعه پنجم

بنام شش شنبه خدیجه شهر شش شنبه

تمام اعتبار بخار سپهر و ائمه ذابک

مطابق و بعضی دیگر که در ماه فرانسه

و بر اثر ان عیبی که در پیشو

و بعد پیش هم با اینها اندازه است

عین علائق است و این قرآن است

سالنامه پنجم نوبت

خبرنامه مطبوعات ایران و اخبار و وقایع و مناسبات و رویدادها و تحولات و ...

فهرست مضامین

شرف کرده اند ما بجهت اعیان و فضلا در خیابا

نمایند آن زمان و راه مبارزه با حکام وقت بحث و گفتگو می کردند. با توسعه نهضت تجددخواهی و آزادی طلبی فعالیت نویسندگان و مطبوعاتیان بیشتر شد.

پس از ترور ناصرالدین شاه و سلطنت مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ه. ق فعالیت روشنفکران و آزادیخواهان و مطبوعاتیان چشمگیرتر شد. اما در مقابل این گروه، حکام وقت و عوامل آنان به مقابله پرداختند و از همان اوایل سلطنت مظفرالدین شاه فشار و اختناق را در نقاط مختلف کشور خاصه در آذربایجان که مقر محمدعلی میرزا و لיעهد مظفرالدین شاه بود زیادتگر گردید و علاوه بر ضرب و شتم گروهی از روشنفکران و مشروطه خواهان روز ۱۳ صفر ۱۳۱۴ به امر محمدعلی میرزا چند تن از آزادیخواهان و پیشقدمان انقلاب مشروطیت ایران منجمله ۳ تن از این اندیشمندان یعنی میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حسن خان خیبرالملک و شیخ احمد روحی پس از شکنجه بسیار در زیرزمین خانه محمدعلی میرزا در تبریز به قتل رسیدند. بالاخره بعلت پافشاری اقشار مختلف، مظفرالدین شاه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و در ۱۴ ذیقعد همان سال قانون اساسی را که بوسیله مجلس تنظیم شده بود امضا کرد.

پس از افتتاح مجلس که هنوز چند ماه به پایان سال ۱۳۲۴ ه. ق باقی مانده بود و بدون اینکه مقرراتی برای چاپ و انتشار روزنامه ها وضع شود، بیش از ۲۵ روزنامه و هفته نامه در تهران و چند شهر بزرگ ایران با همان رسم سابق اجازه چاپ گرفتند. جالبتر اینکه در سال ۱۳۲۵ ه. ق که از سالهای پر جنب و جوش دوران مشروطیت است، حدود ۸۵ نشریه در تهران و چندین شهر مهم

ایران علاوه بر نشریات قبلی اجازه چاپ گرفتند و از همین زمان مطبوعات ایران کم‌و کیفاً متحول شد و جراید بسیار مهم پایه عرصه وجود گذاشت که می‌توان گفت در جهت تشویق مردم به مطالعه و مبارزه و از سوئی تشویق به تشکل‌ها از سوی دیگر نقش بسیار مؤثری داشتند، از جمله این نشریات مهم: روزنامه صوراسرافیل به صاحب امتیازی میرزا قاسم خان تبریزی بود که نویسندگان شجاعی چون میرزا جهانگیرخان و علی اکبر دهخدا با آن همکاری می‌کردند و دیگر روزنامه روح القدس به مدیری مردی دلیر بنام سلطان العلمای خراسانی است که تا اندکی پیش از کودتای محمدعلیشاه منتشر می‌شد. روزنامه مساوات به صاحب امتیازی محمدرضا مساوات نیز یکی دیگر از روزنامه‌های صریح بود که نخستین شماره آن در ماه رمضان همان سال انتشار یافت، میر سید حسن کاشانی برادر سید جلال‌الدین کاشانی (مؤیدالاسلام) مدیر و ناشر حبل‌المتین کلکته، در سال ۱۳۲۵ هـ. ق امتیاز حبل‌المتین را در تهران گرفت و این روزنامه را به‌طور روزانه با سردبیری شیخ یحیی کاشانی منتشر کرد و همان‌طور که گفته شد چندین نشریه دیگر که از اهمیت زیادی در اجتماع آن روز برخوردار بودند، بطور مرتب چاپ و منتشر می‌شدند. در این دوره امکان تأسیس یک تشکیلات منسجم مطبوعاتی کاملاً امکان‌پذیر بود ولی به چند علت منجمه مهم‌ترین آنها، وجود انجمن‌ها و احزاب و گروه‌های مختلف و وابستگی و همکاری بسیاری از نویسندگان و مطبوعاتیان با برخی از این سازمانها و گروهها و جمعیت‌ها نه مدیران و نه نویسندگان آنها نتوانستند انجمن مطبوعات را جدا از سازمانها و انجمن‌های وابسته به گروههای سیاسی تأسیس کنند.

مقاله تحقیقی تحت عنوان: «نخستین تشکل و نشریه صنف چاپ در ایران» به قلم محقق ارجمند و همکار مطبوعاتی عزیز آقای سیدفرید قاسمی در مجله صنعت چاپ شماره ۱۵۸ مندرج است. وی در این باره می‌نویسد: پس از صدور فرمان مشروطیت در بازار چاپ و نشر ایران تحول اساسی پدید آمد. شمار مشتریان چاپخانه‌ها فزونی گرفت و سفارشات افزایش یافت. کارفرمایان بر ساعات کار چاپخانه‌ها افزودند. کارگران چاپخانه‌ها بی‌وقفه مشغول انجام کارهای چاپی بودند ولی نه از دستمزد و «اضافه کار» خبری بود و نه «امنیت شغلی» داشتند نامه‌های مکرر به امضای کارگران چاپخانه‌ها که با عنوان‌های «اعضای مطبوعات»، «کارگران مطابع» برای رئیس‌الوزرا، وزیر علوم و دیگر مقامات مملکتی ارسال می‌شد نتیجه‌بخش نبود. از این رو، کارگران چاپخانه‌ها، پس از شور و مشورت - به همت محمد پروانه یکی از زحمتکشان صنف چاپ و گروه دیگری از کارگران «مطابع تهران» در یکی از چاپخانه‌های واقع در خیابان ناصریه (ناصر خسرو امروز) تهران گرد هم آمدند و نخستین تشکل کارگری را در این شهر بنیان نهادند، تا بلکه بتوانند بگونه‌ای سازمان یافته حقوق حقه خود را بگیرند. البته باید دانست که سامان دهی این تشکیلات فقط انگیزه مادی و «اضافه دستمزد» نداشت، بلکه کارگران چاپخانه‌ها می‌خواستند هم‌صدا با طرفداران برقراری نظام مشروطیت در برخی از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضوری فعال داشته باشند. نمونه عینی این همصدایی پیشتر بدنبال توقیف روزنامه حبل‌المتین در جمادى الثانی سال ۱۳۲۵ هـ. ق دیده شد. به

محض توقیف این نشریه کارگران چاپخانه‌ها همگام با روزنامه‌نگاران، کتابداران و... در حدود یک هفته اعتصاب کردند که از آن می‌توان بعنوان نخستین اعتصاب سراسری در تاریخ مطبوعات یاد کرد. بدنبال این اعتراض همگانی، دولتیان گردن نهادند و از حیل‌المتین رفع توقیف شد. گردانندگان این روزنامه پس از رفع توقیف در شماره ۲۱۷۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ ق انتشار مجدد نشریه‌شان را مدیون تمامی کسانی دانستند که در این اعتصاب شرکت کرده بودند و نوشتند: «عموم مطابع از حروفچین و مصحح و مدیر و غیره عموماً دست از کار کشیده کمال غیرتمندی را اظهار فرموده [اند] کارگران چاپخانه‌ها برای آگاهی همگان از افکار و عقایدشان و «بیان مواضع» در صدد برآمدند نشریه‌ای را منتشر کنند و نام این نشریه را «اتفاق کارگران» گذاردند.

رابینو ذکری از «اتفاق کارگران» بمیان نیاورده است اما مرحوم محمد صدر هاشمی نوشته است: روزنامه اتفاق کارگران در تهران در سال ۱۲۸۹ شمسی پانزده روز یک‌بار تأسیس شده است، (تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۵۵) مرحوم محمد علی تربیت و ادوارد براون در «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران» آورده‌اند که: «اتفاق کارگران» روزنامه‌ای است که در تهران به وسیله شورای متحده طابعین (اتحادیه کارگران مطابع) انتشار یافته، و مولود اعتصابی بوده است که به منظور حصول و وصول تقاضاهای ۹ گانه کارگران از صاحبان و کارفرمایان چاپخانه‌های سربی ترتیب داده شده بوده است. این نامه طی مدت اعتصاب به سال هزار و سیصد و بیست و هشت قمری (هزار و نهصد و ده میلادی) انتشار داشته است. این اعتصاب و این روزنامه هر دو حائز اهمیت تاریخی خاصی است، اگر چه پیش از نهضت مزبور اعتصابات دیگری صورت گرفته بود، ولی این صورت اعتصاب‌های اروپایی را نداشته است، از اتفاق کارگران بیش از چهار یا پنج شماره انتشار نیافت. (ج ۲، ص ۱۹۲)

با درگذشت مظفرالدین شاه، ابتدا محمدعلیشاه با مشروطه‌خواهان و عده‌ای از مطبوعاتیان موافق بود، اما بعداً به برانداختن مشروطه و مقابله با آزادیخواهان و مطبوعاتیان برخاست و در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ مجلس را به تروپ بست و عده‌ای از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان و مطبوعاتیان از جمله: میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، سلطان‌العلمای خراسانی و ملک‌المستکلمین را کشت و گروهی را بازداشت کرد و عده‌ای هم از جمله علی‌اکبر دهخدا و سیدمحمدرضا مساوات و میرزا یحیی دولت‌آبادی آواره شدند. قلمها شکسته شد و آزادی قانونی مطبوعات، غیرقانونی اعلام شد، در شهرستانها نیز خیره‌سری و استبداد از سر گرفته شد و عده‌ای از آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران بازداشت و برخی هم به وضع فجیعی کشته شدند. محمدعلی‌شاه در جمادی‌الثانی به سفارت روس پناهنده شد و سپس از ایران خارج گردید، آنگاه فرزند او احمد‌شاه به سلطنت رسید، اما بسبب صفر سن او مجلس شورای ملی علیرضا عضدالملک را به نیابت سلطنت

تعیین کرد و پس از مرگ عضدالملک ابوالقاسم ناصرالملک این سمت را بعهده گرفت.  
با فتح تهران توسط آزادیخواهان و مجاهدین و روحانیون مبارز، مدت زمان آزادی بیان و اندیشه بخصوص در زمینه مطبوعات، محدود به یک دوره کوتاه بود. در این میانه سید عبدالله بهبهانی عضو یا هوادار و حامی «حزب اعتدالیون» کشته شد و عامل قتل سیدحسن تقی‌زاده عضو «حزب دموکرات» معرفی شد که از ترس جان خود بخارج کشور فرار کرد.

دشمنان آزادی بیان و اندیشه و مخالفان نشر مطبوعات آزاد، از وضع نامطلوب در برخی جراید خوشحال شدند و دولتمردان و حتی مجلسیان را تشویق به محدودیت مطبوعات می‌کردند. این اوضاع منجر بوضع قانون «خلع سلاح عمومی» از طرف مجلس شد که قسمت چهارم آن مربوط است به مطبوعات باین شرح: «از مجامع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد بقوه قهریه جلوگیری خواهد شد.» با انتشار این دستورالعمل، مخالفین «حزب اعتدالیون» گفتند غرض اصلی از این تصمیم محدود کردن جراید و نشریات حزب «دموکرات» بوده والا قسمت مذکور مبهم و این تصویب نامه غرض از فساد را معلوم نداشته است.

اما در سال ۱۳۲۹ ه. ق. محمدعلیشاه مخلوع با کمک روسها بمنظور برهم زدن مشروطیت و سقوط حکومت مشروطه بایران بازگشت، ابتدا با همیاری و پشتیبانی ابادی وابسته بخود که هنوز هم برخی شان در حکومت بودند و عوامل مزدور بیگانه در ایران بخصوص تهران و تبریز اقداماتی انجام داد لبه تیز حمله را متوجه آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران کرد. در این هنگامه مشهدی میرزا آقا مدیر روزنامه استقلال در تبریز پس از ایراد توهین و ضرب و شتم به زندان افتاد و محمود اشرف زاده سردبیر روزنامه فروردین ارگان فرقه دموکرات در ارومیه را که بزبان ترکی منتشر می‌شد، بجرم اینکه از دسایس و مظالم روسها در ایران و به‌خصوص آذربایجان سخن گفته بود، چند قزاق دستگیر کردند و در سرمای زمستان با تن برهنه بیش از نیم ساعت شلاقش زدند در تهران نیز سید خلیل رکن الاسلام خلخالی مدیر روزنامه کرکب ظاهراً به وسیله دو مجهول‌الیهی مورد حمله قرار گرفت که با شلیک چند گلوله او را بقتل رساندند. ولی بر اثر هوشیاری مردم و افشاگری مطبوعات از امیال شاه مخلوع قاجار محمدعلی میرزا و یاران او خیلی زود شکست خوردند و مجدداً مجبور به ترک ایران شدند. اما روسها که از برقراری حکومت مشروطه و وجود مجلس شورایی ناراضی بودند چندی بعد ضمن اولتیماتومی، ایران را تهدید به اشغال گیلان کردند و چند روز پس از آن اقدام به ارسال اولتیماتوم دیگری کردند که ضمن آن خواستند که «شوستر» امریکایی و «لکفر» از خدمات مرجوعه‌شان منفصل شوند (ایندو با اجازه مجلس برای اصلاح امور مالی ایران استخدام شده بودند) آنها اقدامات «مورگان شوستر» مستشار امریکایی را مخالف مصالح خود تشخیص داده بودند.

در آن زمان بسیاری از مدیران شجاع و سردبیران آزاده آنها، با روسها به مقابله پرداختند آنان،

۱. محمود اشرف‌زاده که نام مستعار وی «آزادی» بود، در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ (اوت ۱۹۱۵) در یک فرسخی شهر صحنه نزدیک کرمانشاه هدف تیر جمعی از قطاع‌الطریق قرار گرفت و بقتل رسید.

اولتیماتوم‌های دولت روس را نادیده گرفتند و با درج مقاله‌های تند و کوبنده و چاپ اشعار انقلابی، قشرهای مختلف مردم را بهیجان آوردند و مجلس نیز در مقابل روسها ایستاد و اولتیماتوم آن دولت را رد کرد. دولت روس با همکاری عوامل خود در ایران به تعدیات خود افزود و مرتکب فجایعی بزرگ شد، مثل بت‌وب بستن گنبد حضرت رضا (ع) در مشهد و بازداشت و قتل و کشتار آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران بخصوص در تبریز.

روسها در تبریز پس از تعطیل چند روزنامه، برای اینکه ریشه آزادی را بکلی بخشکانند دست به اقدامات شدیدی زدند و در روز عاشورای سال ۱۳۳۰ ه. ق عده‌ای از مجاهدین و آزادیخواهان را بدار زدند و ۷۵ تن از اهل محله حکم‌آباد را سر بریدند و بعد بدار آویختند. منجمله از مجاهدین و آزادیخواهان که در روز مذکور بدار زده شدند: ثقة‌الاسلام - شیخ سلیم - ضیاءالعلماء - صادق الملک - دو پسر مشهدی معروف به مسیو - میرزا احمد - حاجی علی دوافروش. متأسفانه بعلت بی‌کفایتی دولتمردان وقت در جریان التیماتوم روسیه جراید تهران و شهرستانها حتی روزنامه مجلس که تلگراف علمای نجف را جهت تهیج مردم چاپ کرده بود، همگی تعطیل شدند. چندی بعد احمد شاه بسن سلطنت رسید و در ۲۸ شعبان ۱۳۳۲ تاجگذاری کرد و خود زمام امور سلطنت را بدست گرفت. ولی عملاً کارها در دست دیگران بود و وی هیچ نقش عمده و مؤثری در امور کشور نداشت. با گشایش مجلس سوم، روشنفکران و آزادیخواهان مخصوصاً مطبوعاتیان جانی تازه گرفتند و به فعالیت خود افزودند. مطبوعات دو حزب نیز آرامتر از گذشته به مصاف یکدیگر آمدند. مطبوعات مستقل و ملی نیز وضع مناسبتری بخود گرفت - بخصوص جراید جدیدی نیز به جمع آنها اضافه شد.

وقایع جهانی در این دوران در ایران بشدت تأثیر گذاشت و عواقب وخیمی را بوجود آورد مثل: قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و جنگهای داخلی و کودتای ۱۲۹۹ شمسی که هر کدام حادثه عظیمی بود و بر مطبوعات این ایام اثر نامطلوب گذارد و آزادی مطبوعات دستخوش تمایلات و نظریات کابینه‌های مختلف قرار گرفت و چندبار اقدام به توقیف جراید شد، منجمله یک بار در اسفند ۱۲۹۶ در کابینه مستوفی‌الممالک کلیه جراید سیاسی توقیف گردید و فقط جریده نیمه رسمی دولتی ایران که به مدیریت سیدحسن اردبیلی اداره می‌شد و در مرداد ماه سال مذکور مدیریت آن بمعهد میرزا محمدخان ملک‌زاده واگذار شده بود منتشر گردید.

تصمیم غیرقانونی دولت مستوفی‌الممالک مبنی بر توقیف همه نشریات کشور در سال ۱۲۹۶ شمسی سبب شد تا یکی از رشته‌های فعال و ایسته به مطبوعات، یعنی کارگران چاپخانه‌ها، بار دیگر تشکیلات منسجم‌تری زیر عنوان «اتحادیه کارگران مطابع تهران» را بوجود بیاورند.

۱. میرزا علی آقا تبریزی ملقب به ثقة‌الاسلام فرزند حاجی میرزا موسی از مشاهیر علمای آذربایجان و صاحب تألیفات متعددی بود. او بجرم آزادیخواهی در سن ۵۳ سالگی در تبریز در دهم محرم ۱۳۳۰ بدست روسها بدار آویخته شد.

مؤلف «تاریخچه نهضت کارگری ایران» در باره انتخابات هیأت اتحادیه کارگران مطابع تهران می نویسد: «اواخر سال ۱۲۹۸ خورشیدی، انتخابات اتحادیه کارگران مطابع طهران انجام می شود، شادروان دهگان که مدیر داخلی روزنامه رعد بود به سمت مدیر و آقای ابراهیم ناهید که صفحه بند مطبعه روشنایی بود به سمت منشی اتحادیه انتخاب می شوند. سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد معمولاً روزها به اداره روزنامه نمی آمد، فقط شبها بعد از ساعت ۱۲ به اداره حاضر و سر مقاله روزنامه را شخصاً می نوشته است. دو روز بعد از انتخابات کارگران برخلاف معمول همیشگی خود ساعت ۷ صبح به اداره آمده کارکنان مطبعه را در دفتر احضار و به آنان می گویند دیروز در سفارت انگلیس موسیو هاوارد رئیس شعبه سیاسی سخت از من گله کرد و گفت: در مطبعه شما اتحادیه کارگران چاپخانهها تشکیل شده؟ همطور که من به حیثیت کارکنان روزنامه علاقمند [هستم] توقع دارم آقایان راضی نشوند آبروی من در سفارتخانه بریزد. عجالتاً تمنا دارم هر یک از آقایان به همکاری من مایلند دست از کار اتحادیه و اجتماعات مشابه آن بردارند و هر یک مایل به ادامه خدمت نباشند، مختارند. همان روز آقای ابراهیم ناهید از منشی گری اتحادیه مستعفی گردیده و تا امروز به خدمت خود ادامه می دهد. ولی مرحوم دهگان که روانش شادباد از خدمت روزنامه رعد کناره گیری نمود. [و] مستعفی [شد]. (ص ۱۲)

پس از آن نیز گروهی از مطبوعاتیان که عمدتاً صاحبان امتیاز و مدیران مسؤول جراید بودند «اتحادیه جراید» را تأسیس کردند و محل دفتر آن را در ابتدای یکی از کوچه های خیابان ناصریه (ناصر خسرو) اجاره کردند و به فعالیت پرداختند. جالب اینکه کوچه مذکور از همان ایام بنام کوچه «اتحادیه جراید» معروف شد. فعالیت این اتحادیه زیاد چشمگیر نبود و مخصوصاً پس از تشکیل کابینه رضاخان (سردار سپه)، غیر فعال شد و با سلطنت رضاشاه پهلوی بعلت کاهش تعداد جراید و محدودیت تشکل های صنفی، این اتحادیه عملاً تعطیل گشت، اما «اتحادیه کارگران مطابع تهران» تا مدت ها پس از سلطنت رضاشاه همچنان فعال بود و طبق یکی از اسناد موجود در «سازمان اسناد ملی ایران»، «اتحادیه کارگران مطابع تهران» در برج میزان (مهرماه) ۱۳۰۶ طی نامه ای به رئیس وقت مجلس شورای ملی درباره از دیاد تعطیل کردن مطبوعات اعتراض می کند.

رضاخان میرپنج که پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از قدرت زیادی در حکومت برخوردار گردید و این شخصیت گمنام ره چند صد ساله را یکشنبه طی کرد و ملقب به سردار سپه شد، در اواخر عمر کوتاه کابینه چهار ماهه سیدضیاءالدین طباطبایی به جای مسعود کیهان عهده دار وزارت جنگ شد و این سمت را در ۵ کابینه دیگر از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ شمسی حفظ کرد. او در واقع در این کابینه ها (سیدضیاء، قوام السلطنه دویار)، مشیرالدوله دویار و مستوفی الممالک، همه کاره بود و حتی در امور مطبوعات بیش از همه دخالت می کرد و نویسندگان و اندیشمندان و مدیران بسیاری از جراید را زیر نظر داشت، تا اینکه در ۶ آبان ۱۳۰۲ حکم نخست وزیری خود را از احمدشاه قاجار دریافت کرد و در تاریخ ۲۱ آبان همان سال رای به سلطنت او دادند.





در همین دوره بین مدیران جراید منتسب به دسته اقلیت مجلس بعلت این پیش آمدها و مخصوصاً قتل میرزاده عشقی شاعر آزاده و مدیر روزنامه قرن بیستم، اتحادی بوجود می آید و در مجلس متحصن می شوند و طی نامه‌ای به رئیس وقت مجلس شورای ملی به قتل عشقی و ضرب و شتم مطبوعاتیان و تعطیل جراید اعتراض می کنند. همین امر سبب می شود بین این گروه از مطبوعاتیان متحصن در مجلس شورای ملی و چند تن از مدیران خارج مجلس برای تشکیل یک تشکیلات صنفی منسجم مطبوعاتی وحدت نظر بوجود آید و پس از پایان تحصن چندین جلسه بین این گروه در دفتر محل کارشان و یا خانه‌های خود تشکیل می گردد ولی متأسفانه بعلت نفوذ فوق العاده سردار سپه که در همین دوران به نخست وزیری می رسد و سپس به سلطنت، اختناق و سانسور در همه جا مخصوصاً در مطبوعات روز به روز بیشتر می شود و چندین روزنامه و هفته نامه انتقادی توقیف و تعطیل می گردند و برخی مدیران و سردبیران نیز مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و یا به دستور وی عده‌ای بازداشت و بعضی ترور می شوند و یا در زندانها به قتل می رسند، مثل واعظ قزوینی مدیر روزنامه نصیحت، فرخی یزدی مدیر روزنامه و مجله طوفان و دکتر تقی ارانی مدیر مجله دنیا و... که خود نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.

اما با استعفا و خروج رضا شاه از ایران حرکت تازه‌ای به سوی آزادیهای دموکراتیک در جامعه ما بوجود آمد که انعکاس آن در مطبوعات به صورت روشنگری‌های ضدفاشیستی و ضد دیکتاتوری پدیدار شد و نویسندگان و مطبوعاتیان تشنه آزادی زبان و قلم در محافل مختلف جشن و سرور برقرار کردند و مقدم آزادی را به یکدیگر شادباش گفتند. در نخستین سالهای پس از سوم شهریور ۱۳۲۰ صدها نشریه به تعداد جراید کشور افزوده شد، اما در جنب بسیاری روزنامه‌ها و مجله‌های روشنگر و هدفمند و ملی و مذهبی و ناشر افکار آزادیخواهانه و مترقی، عده‌ای فرصت طلب نیز به انتشار روزنامه‌های به اصطلاح سیاسی و رنگین‌نامه‌های جنجالی و سکسی که سراپا مروج افکار همان دستگاه دیکتاتوری بودند، پرداختند و گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شده چپ و روشنفکران کم تجربه هم به نشر چندین روزنامه و دهها مجله هفتگی و ماهنامه و فصل نامه پرداختند که مطالب ترجمه شده آنها غالباً از نشریات خارجی گرفته شده و در جهت ترویج مکتب مارکسیسم بود.

گروهی شدن اندیشه‌ها و قطبی شدن هدف‌ها که ناشی از پیوستگی و همبستگی تعدادی از نشریه‌های وابسته به یک حزب یا گروه سیاسی معین و یا محافل و رجال درباری و دولتی و وابسته به خارج، تعداد نشریه‌های غیروابسته به حزب‌ها یا گروه‌های سیاسی هم کم نبود، اما در میان همین‌ها هم عده زیادی شان، فقط ظاهراً خود را «مستقل» قلمداد می کردند.

عدم شکل و همبستگی مطبوعاتیان، فشار دولت‌های وقت را بر مطبوعات زیادتر کرد و

علاوه بر توقیف و تعطیل برخی جراید و بعضی چاپخانه‌ها در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۱ دولتهای این دوره منجمده فروغی و سهیلی لایحه‌ای که می‌توانست مطبوعات را سخت کنترل کند به مجلس شورایی ملی بردند، اما بعلت هم فکری و هم بستگی بین عده‌ای از مطبوعاتیان مخالف دولتهای نامبرده و فشار نمایندگان مجلس شورایی ملی نه دولت فروغی و نه دولت سهیلی نتوانستند نمایندگان مجلس را مجبور به تصویب این لوایح کنند. این فشار و تضییقات روی مطبوعات سبب شد تا گروهی از مدیران جراید مخالف دولت در مرداد ۱۳۲۱ برای نخستین بار پس از خروج رضا شاه یک تشکیلات صنفی مطبوعاتی زیر عنوان «اتحادیه مطبوعات» تشکیل دهند، لازم به ذکر است که چند ماه قبل از تأسیس این اتحادیه عده‌ای از مدیران مطبوعات در اصفهان موجودیت انجمنی تحت عنوان: «جبهه مطبوعات اصفهان» را اعلام کرده بودند. چندی پس از آن گروه دیگری از مدیران جراید که در راس آنان عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات قرار داشت، تشکیلاتی زیر عنوان: «انجمن مطبوعات ایران» برپا کردند. در همین دوران بود که قوام السلطنه به نخست وزیر منصوب شده بود و با مطبوعاتیان سخت در افتاد، وی در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ کلیه جراید کشور را توقیف کرد و حکومت نظامی را زیر نظر سپهبد احمدی برقرار کرد. در ۴۳ روزی که همه مطبوعات کشور چاپخانه‌های آنان تعطیل بود، فقط یک نشریه بامدادی از جانب اداره تبلیغات وابسته به نخست وزیر بنام «اخبار روز» انتشار می‌یافت و بطور رایگان توزیع می‌گردید.

۲۰۹

در همین ایام بود که دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ کابینه قوام السلطنه لایحه‌ای را با قید دو فوریت در ۲۹ آذر ۲۱ تقدیم مجلس کرد. باینکه این لایحه بزیان مطبوعات بود، پس از ۳ جلسه بحث و گفتگو به تصویب رسید. در جریان این مذاکرات مربوط به این لایحه برخی نمایندگان به توقیف همگانی جراید اعتراض کردند ولی نه از جانب دولت مسموع افتاد و نه از طرف اکثریت پارلمان. دولت قوام رفت و مجدداً دولت سهیلی مأمور تشکیل کابینه شد. لایحه ضد مطبوعاتی دیگری توسط دولت وی در ۲۶ خرداد با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شد اما بعلت مخالفت شدید بسیاری از مطبوعاتیان و کثیری از مجلسیان لایحه مذکور توسط خود دولت از مجلس بازگرفته شد.

فشارهای شدید دولت‌های وقت به مطبوعات و مطبوعاتیان باز هم شدیدتر شد و همین امر باعث شد که چند تشکیلات مطبوعاتی تشکیل گردد. «جبهه آزادی» ابتدا به همت ۱۲ تن از مدیران جراید تهران تشکیل شد که آن را منتسب به جناح چپ می‌دانستند. در مقابل این جناح گروه راست آغاز به فعالیت کرد و «جبهه استقلال» را تشکیل داد و در شهریور ۱۳۲۲ که سید ضیاءالدین طباطبائی پس از ۲۲ سال از تبعید برمی‌گشت و روزنامه‌ای بنام رعد امروز در همان سال به مدیریت مظفر فیروز منتشر کرد، در آذرماه همان سال مرکزی بنام «اتحادیه ملی مطبوعات» تأسیس نمود و مورد تأیید مدیران چند روزنامه طرفدار جناح راست و برخی اعضای «جبهه استقلال» قرار گرفت و به این اتحادیه پیوستند ولی نه آن جبهه استقلال و نه این کانون عمری زیادی نداشتند. اما «جبهه آزادی»

مطبوعات» به سرعت رشد کرد و اعضای آن در پایان سال ۱۳۲۳ به ۳۰ واحد مطبوعاتی و در اوایل سال ۱۳۲۴ شمسی به ۴۴ واحد یعنی حدود نیمی از جراید فعال آن دوره در تهران رسید. این روزنامه‌ها و مجله‌های پرنفوذ و منظم‌الانتشار چاپ تهران بودند با افکار و عقاید مختلف. در سال ۱۳۲۵ نیز صاحبان چاپخانه‌ها طی یک گردهم‌آیی تشکیلات جدید این صنف را تحت عنوان «سندیکای چاپخانه‌داران ایران» تأسیس کردند و به شماره ۱۸ به ثبت رساندند. در سال ۱۳۲۵ پس از سقوط حکومت پیشه‌وری که در آذر ۱۳۲۴ در آذربایجان با حمایت ارتش سرخ تشکیل شده بود، سانسور مطبوعات تشدید شد و تعدادی روزنامه و مجله توقیف و برخی تعطیل و عده‌ای از روزنامه‌نویسان بازداشت شدند.

در آن زمان از جانب مطبوعات واکنشهای شدید و آزادمنشانه‌ای بروز کرد که عمده‌ترین آنها از جانب «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری» بود و تا مدتی عوامل دیکتاتوری را وادار به عقب‌نشینی کرد. در هشت ساله اول دهه ۲۰ علاوه بر تشکیل تشکل‌های مطبوعاتی نامبرده در بالا، چند تشکل دیگر که مؤسس هر کدامشان چند تن از مدیران جراید بودند تأسیس شد، از جمله: «انجمن روزنامه‌نگاران ایران»، «انجمن روزنامه‌نگاران خراسان» در مشهد، «هیأت مؤتلفه مطبوعات»، «مجمع نامه‌نگاران اصفهان»، «جبهه آزادی مطبوعات»، «جبهه مطبوعات مبارز ملی»، «سندیکای مطبوعات ایران» و... که اظهار نظر پیرامون هر کدامشان نیز به بحث جداگانه‌ای نیاز دارد و از حوصله خوانندگان خارج است. اما گفتنی است بااستثنای چند تن از مدیران فاضل و آگاه به مسائل مطبوعاتی که در برخی هیأت‌های اجرایی این انجمن‌ها عضو بودند و در مدت مذکور گام‌های بزرگی در جهت تشکل‌های مطبوعاتی و هم‌بستگی مطبوعاتیان برداشتند، اما عده‌ای فقط بخاطر سوءاستفاده در این انجمن‌ها و اتحادیه‌ها شرکت می‌کردند و چون غالباً منافع شخصی‌شان مورد نظر بود، بهمین دلیل نمی‌توانستند باهم در جهت منافع مردم کشور گام بردارند و در نتیجه برخی از این سازمانها خیلی زود و بعضی کمی دیرتر در مدت مذکور تعطیل شدند.

تنها در این دوره در برخی موارد که بعضی‌شان در بالا اشاره شد، برخی از گروه‌های مطبوعاتی در مقابل تصمیمات و فشارهای دولت‌های وقت آنها در مدت زمان محدود ایستادگی کردند از جمله یکی از آنها در اواخر سال ۱۳۲۶ و اوایل سال ۱۳۲۷ شمسی بود.

متأسفانه محمد مسعود مدیر روزنامه «مرد امروز» در نیمه شب ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ به قتل رسید، چون در آن دوره شایع شد که این قتل توسط عوامل دربار انجام گرفته عده زیادی از مدیران را که در منش و روش یا یکدیگر اختلاف داشتند بهم نزدیک‌تر کرد و به «مبارزه علیه دیکتاتوری و سانسور مطبوعات متشکل شدند ولی همانطور که گفته شد بعلت اختلافاتی که با هم داشتند این هم‌بستگی

۱. دکتر کیانوری دبیرکل حزب توده ایران، پس از بازداشت در اواخر سال ۱۳۶۱ طی مصاحبه تلویزیونی همراه با دکتر حسین جودت عضو کمیته مرکزی حزب توده، گفت: «محمد مسعود به دستور حزب توده ایران به قتل رسیده است و چندی بعد نیز احسان طبری این گفته را تأیید کرد.

زیاد ادامه نیافت و باز هم به چند گروه تقسیم شدند و فشار و سانسور بر مطبوعات حاکم شد. لازم به یادآوریست که در این فاصله یعنی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ شمسی همهٔ تشکل‌های نامبرده در بالا را صاحبان امتیاز و مدیران جراید مختلف در تهران و دو سه شهرستان بوجود آوردند و عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان، یعنی اعضای تحریری مطبوعات و به عبارت دیگر کسانی که ممر درآمدشان فقط از راه مطبوعات و یا برخی عمده هزینه زندگی‌شان از این رشته تأمین می‌شد به فکر تأسیس یک تشکیلات صنفی متشکل از اعضای تحریری جراید افتادند و گامهای مؤثری در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ شمسی از طرف این گروه برداشته شد ولی نه فقط در این مدت، بلکه در نیمه دوم سال ۱۳۲۹ که مقارن با نهضت ملی شدن صنایع نفت ایران بود و همچنین در دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق (۱۳۳۰-۱۳۳۲) که مطبوعاتیان مخصوصاً اعضای تحریری مطبوعات از همه جهت آزاد بودند و می‌توانستند سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات را تشکیل بدهند، در وهله اول بعلت وابستگی‌های سیاسی و گروهی اکثریت آنان و در مرحله بعد، اخلاص برخی مدیران جراید بزرگ، چنین سندیکایی که متعلق به اعضای تحریری مطبوعات باشد از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ تشکیل نشد و در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۳۲ نیز باز هم مدیران جراید در تهران و دو سه شهرستان تشکل‌های مطبوعاتی بوجود آوردند منجمله: «اتحادیه ملی مطبوعات» در سال ۱۳۲۹ شمسی در تهران و «جبهه مؤتلفه مطبوعات ملی» و «انجمن روزنامه‌نگاران دمکرات» در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۱ در یزد، «سازمان روزنامه‌نگاران» را در سال ۱۳۳۰ در تهران، «اتحادیه مطبوعات فارس» را در سال ۱۳۳۱ در شیراز، نشریه‌ای نیز زیر عنوان «جامعه روزنامه‌نگاران ملی» در سال ۱۳۳۱ در تهران منتشر شد، همچنین چند تن از روزنامه‌نگاران وابسته به تشکیلات کارگران راه‌آهن در سال ۱۳۳۱ زیر نام «جبهه روزنامه‌نگاران راه‌آهن» به انتشار چندین شماره روزنامه پرداختند، اما همه این تشکل‌ها و نشریات ارگان آنها و جراید وابسته بدانها در دوره مذکور ناموفق بودند و یکی پس از دیگری تعطیل شدند.

در اوایل سال ۱۳۲۹ شمسی فشار بر مطبوعات زیاد بود ولی در نیمه دوم همان سال بر اثر گسترش جنبش نهضت ملی ایران و حمایت مردم از مطبوعاتیان مبارز، عوامل درباری و دولت نتوانستند اختناق مطبوعاتی مورد نظرشان را به منصفه عمل در آورند. مطبوعات و مطبوعاتیان در ماجرای ملی شدن صنعت نفت بدون اینکه در یک سازمان بزرگ و تشکیلات صنفی مقتدری متشکل شده باشند، شایستگی بسیاری از خود نشان دادند و موج احساسات شدید ضد استعماری و ضد استثمارکنندگان خارجی را در بین ملت برانگیختند تا حدی که برخی مطبوعات وابسته به دستگاه سلطنت نیز همراه با گروهی از نمایندگان درباری مجلس به حمایت از ملی شدن صنعت نفت برخاستند.

بدنبال ترور رزم‌آرا، کابینه علاء تشکیل شد ولی عمر دولت او بسیار کوتاه بود و پس از حدود یکماه و نیم سقوط کرد، چند تن از نمایندگان وابسته به دربار از جمله جمال امامی بتصور اینکه دکتر

مصدق حاضر به قبول مسئولیت تشکیل کابینه نمی‌شود، از وی می‌خواهند، خود کابینه را تشکیل دهد و او که به پشتیبانی ملت مطمئن بود، با تشکیل کابینه موافقت کرد و پس از تشکیل نخستین جلسه هیأت دولت با اداره کل تبلیغات صریحاً دستور داد هنگامی که درباره وی مطلبی از رادیو پخش می‌شود، الفاظ جناب و القاب و عناوین را به کلی حذف کنند و جالبتر اینکه دکتر مصدق به شهربانی کل کشور نیز دستور می‌دهد: «شهربانی کل کشور، در جراید ایران آنچه راجع به شخص این جانب نگاشته می‌شود هر چه نوشته باشند و هر کس که نوشته باشد نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد...» بهمین دلیل در حکومت ملی دکتر محمد مصدق مردم و مطبوعات از آزادیهای سیاسی و اجتماعی فراوانی برخوردار بودند و آثار قلمی بسیاری از نویسندگان در این دوره چاپ و منتشر شد که تا آن زمان و تا این حد در هیچ دوره‌ای وجود نداشت.

به جرأت می‌توان گفت پس از سالهای از شهریور ۱۳۲۰ تا تابستان ۱۳۳۲ که دوران رشد همه جانبه مطبوعات و برخورداری آنها از آزادی نسبتاً مطلوب قلم و نشر افکار بود، در تمام دوران پهلوی‌ها - به استثنای دو سه ماهه پایان این روزگار که فجر انقلاب اسلامی ایران دمیده بود تنها دوره کوتاه دیگری که مطبوعات به‌طور اعم رشد همه جانبه‌ای کردند، همین دوران خیزش و اوج و بافشاری نهضت ملی نفت ایران بود. در این دوران هر خواستار انتشار نشریه‌ای که سی سال داشت و «مرتبک جنحه و جنایات نشده بود» نامی برای نشریه‌اش برگزید و آن را به اداره «نظارت انطباعات» در وزارت کشور به ثبت رساند و مدیر روزنامه یا مجله شد. بدیهی است که در این حیص و بیص، جماعتی فرصت طلب و سودجو نیز پا به حریم مطبوعات نهادند و اختلالاتی در جامعه مطبوعات بوجود آوردند. اما در کل قضیه، روند زمانه به سود مطبوعات آزاده و مستقل و به زیان خودکامگان و جیره‌خواران آنها بود.

آنچه در این جا می‌توان گفت اینست که در مجموع مطبوعات آن دوران، آئینه تمام‌نمای جامعه‌ای بود که می‌خواست و مبارزه‌ای جانانه‌ای می‌کرد تا به استقلال و آزادی واقعی دست یابد. مبارزات وسیع و پرشوری که مطبوعات راستین آن دوران کردند و تجربه‌های تلخ و شیرینی که این‌گونه مطبوعات به دست آوردند - اگرچه برخی هاشان مدتی در بیراهه اشتباه قدم و قلم زدند - از عبرت‌آموزترین درسهای تاریخ معاصر ایران و تاریخ مطبوعات ایران در رژیم پهلوی‌هاست.

دولتهای خارجی که منافعشان در خطر بود با محمدرضا شاه و درباریان در جهت سقوط دولت ملی دکتر مصدق متحد شدند و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مردمی مصدق سقوط کرد و فشار بر مطبوعات و مطبوعاتیان بیشتر شد و روزنامه‌نویسان حقگو مورد ستم قرار گرفتند و گروه

۱. گفتنی است در دوره ۱۲ ساله (۱۳۲۰-۱۳۳۲) علاوه بر دهها روزنامه و مجله ارگان احزاب و سازمانها و گروههای مختلف سیاسی و مذهبی و چندین نشریه وابسته به سازمانهای بخش عمومی و خصوصی بیش از شش هزار و پانصد نشریه متفرقه. هر کدام با شیوه‌های مختلف چاپ و منتشر شدند و جالبتر اینکه در این دوره قریب ۲۳ نشریه طنز و کاریکاتور هم منتشر گردید.

# دولت پاکستان احتیاجات مولانا مفتی خون را از ایران تامین میکند

## باختر امروز

شماره ۱۳۳۳ - پنجشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۳۳ - ۲۴ دیماه ۱۳۳۳ - ۱۹۳۳

کسی که با نام (دور جبهه ملی) ننگار اف جلی به فراموشی رفته است در ایران...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...  
 روزی که ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...

### نام ولایات مشرق آلمان از کتابها و نقشه ها و حتی شرح

جایزگان حذف گردید - نام پارلمانها و ولایات شرقی آلمان در بکروز...  
 در روزهای گذشته آلمان شرقی از تاریخ گذشته اروپا...  
 در روزهای گذشته آلمان شرقی از تاریخ گذشته اروپا...  
 در روزهای گذشته آلمان شرقی از تاریخ گذشته اروپا...



دکتر حسین باطنی



دکتر حسین باطنی



دکتر حسین باطنی



دکتر حسین باطنی



دکتر حسین باطنی



دکتر حسین باطنی

دولت پاکستان احتیاجات مولانا مفتی خون را از ایران تامین میکند...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...  
 دست سواد ما در راه آزادی و استقلال ما در راه آزادی و استقلال ما...



دکتر حسین باطنی

کثیری بازداشت و شکنجه شدند و چند تن از این گروه از جمله دکتر حسین فاطمی مدیر شجاع روزنامه باختر امروز، در حالیکه تب شدیدی داشت در سپیده دم ۱۹ آبان ۱۳۳۳ به جوخه اعدام سپرده شد. امیر مختار کریم پور شیرازی مدیر مبارز روزنامه «شورش» نیز متحمل شدیدترین شکنجه‌ها واقع شد و در سحرگاه ۲۵ اسفند ۱۳۳۳ در محوطه زندان باریختن نفت بر سر و رویش وی را زنده زنده سوزاندند.

پس از این دوران ۱۲ ساله (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) بحث و گفتگوی ما پیرامون دوران پر ماجرای مطبوعات و مطبوعاتیان و علل ضعف و قوت تشکلهای مطبوعاتی اعم از «کارفرمایان مطبوعات»، «اعضای تحریری مطبوعات»، «کارکنان و وسایل ارتباط جمعی»، «اعضای تحریری و کارکنان خبری رادیو و تلویزیون»، «فروشندگان جراید»، «صاحبان چاپخانه‌ها»، «کارگران چاپخانه‌ها» از سال ۱۳۳۳ تا حال حاضر است.

پس از حوادث سال ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق، سانسور بر وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً مطبوعات حاکم شد، دهها نشریه توقیف و تعطیل شدند، عده‌ای از روزنامه‌نگاران و اندیشمندان بازداشت و گروهی آواره و خانه‌نشین شدند. در این دوره عده‌ای از چاپلوسان و قلم‌بمزدان در نشریه‌های خود از رژیم به ستایش و مدیحه‌سرایی پرداختند و تعدادی که ممر درآمدها فقط از مطبوعات بود مجبور به ادامه کار در مطبوعات شدند، جلال‌آل احمدی در کتاب: «سه مقاله دیگر» این دوره را «دوره رنگین‌نامه‌های تحریک‌کننده حیوانی‌ترین غریز و خالی

از حق و شور و شوق توصیف کرده است. این قضاوت در مورد نخست شامل تقریباً تمام مجله‌های رنگارنگ و در مورد بعدی شامل دیگر نشریه‌های وابسته رژیم بود. از این لحاظ و البته در همین حد، قضاوت شادروان جلال‌آل‌احمد کاملاً درست است، اما نیاز به بحث مفصل دارد که از حوصله خارج است ولی باید در نظر داشت که در همین دوران هم اخبار، مقالات، گزارشات و ترجمه‌های مفید و ارزنده‌ای از طرف نویسندگان شجاع و مترجمان آگاه و گزارشگران با سابقه و مطبوعاتیان زحمتکش و کاریکاتوریست‌های خوش قریحه، در نشریات آزاد و مستقل درج و منتشر شده است که بارها این نشریه‌ها و بسیاری از همکاران آنان با مشکلات و مسائل زیادی روبرو شده‌اند و الا دلیلی نداشت که رژیم کودتایی آن همه ضربه‌های کاری بر پیکر مطبوعات آزاد وارد آورد و حتی وقتی خود را به اصطلاح از لحاظ قانون دست خالی احساس می‌کند، برای خالی نبودن عریضه و در اختیار داشتن یک سلاح قانونی هر چه گوینده‌تر، قانون پنجم محرم ۱۳۲۶ ه. ق را که تا دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هم، تنها قانون مطبوعات در جریان اجرا بود ملغی کند و قانون سرپا سلطه گرانه‌ای را در دهم مرداد ۱۳۳۴ به مورد اجرا گذارد که نه در جلسه علنی یا سری مجلس شورایی ملی، بلکه فقط در کمیسیون مشترک در مجلس سنا و شورایی ملی تصویب و متن آن به جنبه موقتی بودنش تصریح شده بود، به موجب همین به اصطلاح قانون موقت بود که تعداد زیادی نشریه‌های امتیازدار امکان تجدید چاپ و نشر نیافتند و به تعطیل کشانده شدند و نیز کسانی امتیاز انتشار روزنامه و مجله کسب کردند که از تمام جهات رژیم نسبت به آنان اعتماد داشت.

در قانون مذکور برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات ایران، فصلی (فصل ۵) اختصاص به «ادارسی مطبوعات - هیأت منصفه» داده شده بود و به تفصیل درباره جرایم مطبوعاتی و سیاسی و نحوه رسیدگی بدانها در حضور هیأت منصفه و طرز تشکیل ادواری هیأت منصفه و موارد «توقیف یا تعطیل» روزنامه یا مجله اعلام نظر شده است. اما با آنکه بر اساس مواد این فصل، هر دو سال یکبار و در بهمن ماه، هیأت منصفه‌ای انتخاب، بهتر است گفته شود انتصاب شدند، جز در یکی دو مورد بسیار جزئی هرگز «توقیف» نشریه‌ای یا دادرسی و صدور حکم و اعلام مجازات یا برائت متهمی - اعم از مدیر، صاحب امتیاز، سردبیر، خبرنگار یا نویسنده - به موجب این قانون صورت نگرفت، در واقع این قانون فقط به منظور خالی نبودن عریضه و در مواردی برای قرص کردن پای استبداد و سانسور در عرصه مطبوعات تصویب شده بود و هرگز هم جنبه «موقت» بودن اجرای آن از میان نرفت، به عبارت دیگر این قانون موقت دست رژیم کودتایی را برای اختناق کامل مطبوعات گشوده و دست مطبوعاتیان حقوقو و آزاده را مقید به زنجیرگران استبداد کرد. با تمام این احوال هیچگاه میدان مطبوعات، چنانکه رژیم می‌خواست عاری و خالی از صاحبان قلم‌های افشاگر و نقاد نشد.

**انجمن خبرنگاران ایران:** در سال ۱۳۳۳ فعالیت برای ایجاد تشکل‌های صنفی در میان مطبوعاتیان، چه صاحبان امتیاز و مدیران مسئول جراید و چه اعضای تحریری مطبوعات پیش از سالهای ماقبل آن بود، در اوایل سال مذکور نخست عده‌ای از اعضای تحریری مطبوعات تصمیم



گرفتند برای تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، جلساتی را در خانه‌های خود تشکیل دهند و این جلسات چندین بار با شرکت عده‌ای از نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان و سردبیران در خانه‌ها و دفاتر برخی نشریات تشکیل شد و سرانجام در جلسه‌ای با حضور گروهی از مطبوعاتیان ۱۲ تن بعنوان هیأت مؤسس انتخاب شدند، در همین جلسه تشکیلات مذکور به نام «انجمن خبرنگاران ایران» تعیین شد، تا آنجا که من به خاطر دارم، در هیأت مؤسس این انجمن چند تن حضور فعال داشتند منجمله: اسماعیل ناهید، حمزه اخوان، ناصر مفخم، عباس دلایلی، محسن موحد و حسین مدنی که پس از چند ماه برای تشکیل مجمع عمومی برای گزینش هیأت مدیره رسمی دعوت بعمل آمد. اساسنامه این انجمن که در ۱۴ ماده و دو تبصره تنظیم شده بود مورد تصویب قرار گرفت، اما متأسفانه باز هم این تشکیلات به دلایلی که شرح مفصل آن در کتاب خویش آورده‌ام موفق به ادامه کار خود نشد.

**کانون روزنامه‌نگاران ایران:** در همان سال گروهی از صاحبان امتیاز و مدیران جراید یعنی کارفرمایان مطبوعات طی اجتماعی «کانون روزنامه‌نگاران ایران» را تأسیس کردند، پس از انتخاب هیأت مدیره، دکتر رحمت مصطفوی به سمت مدیر عامل و ابوالفضل مرعشی به دبیری این کانون انتخاب شدند، همکاری این کانون با «جبهه متفق ایران» تشکیل «انجمن مطبوعات ایران» را در اواخر دهه ۳۰ به دنبال داشت.

همانطور که قبلاً گفته شد، در دهه ۲۰ تشکیلاتی از طرف کارفرمایان مطبوعات زیر عنوان «انجمن مطبوعات ایران» تشکیل شد و چند تن از مدیران مسئول جراید بزرگ و معروف آن دوره با عقاید مختلف در این سازمان نقش مؤثری داشتند و این انجمن به سازمان بین‌المللی مطبوعات نیز پیوست اما بسبب اختلاف نظرهای میان مدیران جراید عضو این انجمن، تشکیلات مذکور پس از چندی تعطیل شد. اما اکثریت اعضای این انجمن با اضافه چند تن از مدیران مطبوعات که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ موفق به کسب امتیاز جراید جدیدی شده بودند در سال ۱۳۳۹ تشکیلاتی به همین نام بوجود آوردند و پس از انتخاب هیأت مدیره عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات به ریاست هیأت مدیره و دکتر رحمت مصطفوی مدیر مجله روشنفکر به مدیریت عامل انتخاب شدند ولی از بدو تأسیس این انجمن بین مدیران جراید عضو اختلاف بوجود آمد که مهمترین آن در مورد انتخاب هیأت رئیسه مخصوصاً ریاست آن بود. در دوره دوم علی اصغر امیرانی مدیر مجله خواندنیها به ریاست انجمن مذکور انتخاب شد، وجود وی در رأس این تشکیلات سبب شد تا عده‌ای از مدیران عضو استعفا دهند و وی ناگزیر به کناره‌گیری از ریاست انجمن شد. در دوره بعد شکراله صفوی مدیر روزنامه کوشش به ریاست این انجمن انتخاب شد ولی او نیز بعلت عدم آگاهی از مسائل تشکیلاتی نتوانست کار مؤثری در جهت تشکل صاحبان امتیاز و مدیران مسئول جراید در این انجمن انجام دهد. انجمن مذکور می‌رفت که منحل شود ولی با کمک گروهی از صاحبان امتیاز و مدیران جوان آن دوره از جمله دکتر رحمت مصطفوی و اسماعیل پور والی مدیر مجله

بامشاد که به ریاست و دبیری این انجمن انتخاب شده بودند از طرف آنان کوشش زیادی شد تا شاید بتوانند از سقوط آن جلوگیری کنند ولی آنان هم نتوانستند در کارشان موفق باشند و در نتیجه این تشکیلات هم منحل شد.

**باشگاه مطبوعات:** در همین دوره عده‌ای از مدیران جراید زیر نام «باشگاه مطبوعات» به ریاست عباس مسعودی آغاز به فعالیت کردند ولی باز هم بعلت اختلافات داخلی این گروه نتوانستند به کار خود ادامه دهند و عباس مسعودی مجبور به کناره‌گیری شد و مدتی باشگاه مذکور تعطیل شد.

**اتحادیه فروشندگان جراید تهران:** در اینجا لازم به ذکر است از جمله تشکیلات منسجمی که در دهه ۳۰ بوجود آمد «اتحادیه فروشندگان جراید تهران» است که در سال ۱۳۳۷ مجمع عمومی آن با حضور کثیری از فروشندگان جراید در تهران تشکیل شد و با انتخاب هیأت مدیره، مدیران اجرایی این نهاد فعالیت خود را آغاز کردند و این اتحادیه هنوز هم به کار خود ادامه می‌دهد.

**اتحادیه فروشندگان جراید خراسان:** در سال ۱۳۴۱ نیز عده‌ای از فروشندگان جراید مقیم مشهد در یک گروه‌آمیزی لزوم تأسیس سندیکای این صنف را اعلام کردند، ابتدا هیأت مؤسس انتخاب شد و پس از تشکیل مجمع عمومی در همان سال نخستین سندیکای فروشندگان جراید در شهرستانها، در مشهد تأسیس و پس از انتخاب هیأت مدیره غلامرضا اکرمی به دبیری این سندیکا انتخاب شد. در سال ۱۳۵۸ به کوشش گروهی از فروشندگان جراید مشهد تشکیلات جدیدی زیر عنوان «اتحادیه فروشندگان جراید خراسان» تأسیس و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

**دوران پرنشیب و فراز مطبوعات و مطبوعاتیان در سالهای ۴۳-۴۲:** در اینجا لازم به توضیح است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فشار و اختناق روی رسانه‌های جمعی مخصوصاً مطبوعات به استثنای سال ۱۳۴۰ به شدت وجود داشت و به بهانه‌های مختلف از تجمع و شکل‌های صنفی مردمی جلوگیری می‌شد. پس از سقوط دولت سرکوبگر سپهبد زاهدی در ۲۸ اسفند ۱۳۳۳، حسین علاء در اول فروردین ۱۳۳۴ کابینه را تشکیل داد، در دوره او نیز مطبوعات زیر فشار سانسور قرار داشت، او نیز در ۱۲ فروردین ۱۳۳۶ مجبور به استعفا شد و دکتر منوچهر اقبال دو روز بعد یعنی در ۱۴ فروردین ۱۳۳۶ به نخست‌وزیری منصوب گردید. این دولت نیز با سرکوبی نهضت ملت ایران و تشدید سانسور بر رسانه‌های جمعی خاصه جراید کشور، در تابستان ۱۳۳۹ انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی را انجام داد و گروهی وابسته به رژیم را از صندوق‌های رأی بیرون کشید. کار را به آنجا کشید که شاه از متخین قلبی خواست همگی استعفا بدهند و پس از آن دولت اقبال نیز سقوط کرد.

در ۹ شهریور ۱۳۳۹ سناتور مهندس شریف‌امامی بر سر کار آمد، وی که در همان ابتدا با اعتراض اقشار مختلف و درج بعضی اخبار و مطالب انتقادی در برخی جراید کشور روبرو شد، طی یک مصاحبه گفت: «بعد از این دوران اختناق وجود نخواهد داشت و مطبوعات آزاد خواهند بود.

آزادی انتخابات را تضمین می‌کنم» و اطمینان داد به خلاف‌کاریهای گذشته رسیدگی خواهد شد. اما پس از انتخابات فرمایشی مجلس، بعلت گسترش اعتراض و حرکت‌های تند مردم بر علیه اقدامات خلاف قانون دولت و انتقاد شدید در برخی جراید کشور در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ حکومت وی سقوط کرد. یک روز پس از سقوط دولت شریف امامی، یعنی در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۰ دکتر علی امینی که با حمایت امریکا دولت خود را تشکیل داد با تظاهر به قبول نظرات مردم و اعلام ورشکستگی اقتصاد کشور و تأیید وجود جو اختناق و سانسور در مطبوعات، می‌خواست به ظاهر ایران را بشکل دموکراسی غربی دربیآورد و برای جلب رضایت گروهها و سازمانهای مختلف و روحانیون، فرمان انحلال مجلس را از محمدرضا شاه گرفت و مجلس را منحل ساخت و می‌خواست کارهای اجرایی که زیر نظر شاه انجام می‌گرفت در دست خود بگیرد، در دوران یکسال و اندی نخست‌وزیری امینی که به ظاهر به مطبوعات آزادی داده بود، تاحدودی نیز عده‌ای توانستند مقالات انتقادی پیرامون مسائل روز خاصه درباره مشکلات اقتصادی کشور و مسائل اجتماعی و لزوم برقراری آزادی بیان و اندیشه و تشکیل اجتماعات و احزاب و گروههای مختلف در جراید درج کنند. اما شاه حاضر نشد از دولتی مانند دولت دکتر امینی که وابسته بخودش بود و به ظاهر تظاهر به آزادیخواهی و دفاع از حکومت دموکراسی می‌کرد دفاع کند. محمدرضا شاه طی سفر خود در فروردینماه ۱۳۴۱ به امریکا، دولت امریکا را راضی به برنامه‌های خود ساخت و چندی پس از بازگشت به تهران، دکتر علی امینی را در ۲۹ تیرماه ۱۳۴۱ از نخست‌وزیری برکنار و یکروز بعد اسدالله علم را به نخست‌وزیری برگزید. جراید کشور که در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۴۱ تاحدودی می‌توانستند برخی مطالب انتقادی را با اجازه خود درج کنند، مجدداً این آزادی نیم‌بند را هم دولت علم گرفت و رسانه‌های جمعی بخصوص مطبوعات دچار سانسور شدیدتر شدند و فشار و اختناق بر کشور حاکم گردید. دولت علم در ۲۰ ماه حکومتش هر جنبش و حرکتی را سرکوب و هر صدای مخالف را در نطفه خفه و هر روزنامه و مجله حقوق‌گرا توقیف کرد. یورش بزرگ مطبوعات در فروردین ۱۳۴۲ به بهانه کم‌تیراژی روزنامه و مجله‌ها روی داد و جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و معاون تبلیغات دولت علم که خود زمانی از مطبوعاتیان معروف ایران بود بدستور شاه و علم حدود ۷۵ روزنامه و مجله را توقیف کرد. (تصویب‌نامه مذکور در جلسه ۲۵ اسفند ۱۳۴۱ به تصویب هیأت وزیران رسیده بود).

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات: پس از اینکه فعالیت کثیری از اعضای تحریری مطبوعات در دو دهه ۲۰ و ۳۰ برای تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ناموفق ماند به این نتیجه رسیدیم که فعالیت خودمان را در واحدهای مطبوعاتیان برای تأسیس این سندیکا افزایش دهیم مخصوصاً در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۲۸ که بنا به پیشنهاد بسیاری از همکاران مقرر شد چند تن از نویسندگان و خبرنگاران فعال در واحدهای مطبوعاتی که غالباً حرفه‌ای یا عمدتاً مرم در آمدشان از راه مطبوعات است در هر واحد مطبوعاتی مخصوصاً در واحدهای بزرگ مطبوعاتی و

مجله‌های پرتیراژ مسؤولیت این کار را بعهده بگیرند و از بین خود نماینده‌ای انتخاب کنند که در جلسه‌هایی که از نمایندگان واحدهای مطبوعاتی تشکیل می‌شود شرکت کنند و نظریات اعضای تحریری خودشان را برای تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ابراز دارند و نتیجه را به اطلاع واحدهای خودشان برسانند تا بتوانند در موقع مناسب مجمع عمومی را با شرکت اعضای تحریری همه جراید تشکیل دهند.

اعضای فعال و علاقه‌مند به تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در واحد مؤسسه تهران اکنون میست در آن زمان عبارت بودند از: رضوانی، دکتر حسن انصاری، رضا حبشی‌زاده، ابوالقاسم یمنی، دکتر غلامرضا سعیدی، اکبر فصیح اعظم، لیلی سروش‌سیما حریری، رضا بروجردی، حبیب‌الله کریمی، احمد فواد مرعشی، دکتر علی‌الله همدانی و این جانب و چندتن دیگر، جالب اینکه در دومین سال تأسیس سندیکای نویسندگان تعداد اعضای تحریری واحد تهران اکنون میست در این سندیکا با ۲۵ عضو، بلافاصله پس از واحدهای اطلاعات و کیهان در مقام سوم قرار گرفت. البته بعدها، یعنی پس از انتشار روزنامه آیندگان و چند نشریه دیگر که ضمن آن چند تن از اعضای تحریری تهران اکنون میست در نشریات جدید به کار تحریری اشتغال یافتند از جمله: رضا حبشی‌زاده، عبدالرضا میربلوک، هوشنگ گل‌مکانی، قربانعلی ذرقانی، مسعود مهاجر، واحد تهران اکنون میست در سندیکا از لحاظ تعداد عضو در ردیف پنجم واقع شد.

گفتنی است که دو سه سال قبل از تأسیس سندیکا تا آنجا که به خاطر دارم کسانی که در تحریریه روزنامه اطلاعات برای تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران فعالیت می‌کردند عبارت بودند از: محسن موحد، هوشنگ پورشریعتی، منصور تاراجی، اسماعیل یگانگی، علی باستانی، شریف مشکین خط، علی کسمایی، یدالله ذبیحیان، ایوب کلانتری، حسین شمس ایللی، منوچهر صمصامی، انوشیروان کیهانی‌زاده، اسد منصور، منصور (علیرضا) رهبانی، پرویز پرتو، جواد فاضل حمزه سردادور، غلامحسین صالحیار، عباس عبدی، محسن قهرمان، علی موید بهارلو، بهرام افرهی، فریدون ابراهیم‌زاده، تیمور رشدی.

و فعالین تحریری در این زمان در واحد کیهان عبارت بودند از: عبدالله گله‌داری، رضا مرزبان، حسین صحت، خسرو شاهانی، رضا جعفر طویاری، سیاوش آذری، مهدی سمسار، حسام‌الدین امامی، احمد ریاحی کاشانی، محمدتقی اسماعیلی، حسین آل ابراهیم، مصطفی باشی (امیرکیانی)، پرویز آذری، نصرت‌الله نوحیان، یوسف صدیقی، صمد بهروز، محمد بلوری، ناصر منجد.

افراد علاقه‌مند به تأسیس سندیکا در جراید مختلف منجمله در روزنامه‌های مهر ایران، بست تهران، کوشش، داد و مجله‌های امید ایران، سپید و سیاه، توفیق، فردوسی، روشنفکر، تهران‌منصور، صبح امروز، خواندنیها، ترقی و... عبارت بودند از: ذبیح‌الله منصوری، مسعود برزین، نعمت ناظری، اسماعیل رائین، علی شعبانی، پرویز آزادی، احمد بشیری، محمدعلی سفری، عطا بهمنش،

غلامعلی لطیفی، منوچهر محجوبی، محمد پورثانی، ایرج نبوی، حسین مدنی، محمد خرمشاهی، محمود طلوعی، اسدالله شهریاری، سیامک پورزند، حسین رایتی، محمد کلانتری، ناصر منفخم، عباس پهلوان، ناصر رنجبین، کارو دردربان، فرخ کاردار، حسین سرفراز، ناصر ملک محمدی، اردشیر ملک مرزبان، غلامحسین ملک عراقی، جهانگیر پارساخو، رحیم تزری، علی اکبر کسمانی، اسماعیل جمشیدی، علی طوافزاده، عباس صالحون، فیروز گوران، امیر هوشنگ طاهرپور، جهانگیر بلوچ، احمد سخاورد، فرج‌اله صبا، احمد مرعشی، محمد نجفی و...

در سال ۱۳۴۰ چندین جلسه با شرکت عده‌ای از اعضای تحریریه مطبوعات در محل کار و برخی خانه‌های مطبوعاتیان تشکیل گردید و مقدمات کار فراهم شد. در خرداد ماه ۱۳۴۱ جلسه‌ای با حضور ۱۵ تن از نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان قدیمی مطبوعات در کتابخانه پارک شهر تهران تشکیل گردید، پس از گفتگوهای زیاد چند تن مأمور شدند تا پیش‌نویس اساسنامه‌ای را برای تشکیلات این صنف تهیه و تدوین کنند، همچنین در جلسه مذکور تصمیم گرفته شد این تشکیلات بعلت آنکه حرفه‌ای و صنفی است به عنوان یک سندیکای کارگری معرفی و ثبت شود. چندی بعد اساسنامه پیش‌نویس توسط هیأت منتخب موقت آماده گردید و در جلسه مورخ ۲۵ مرداد ۱۳۴۱ که در دفتر اسماعیل راین با حضور عده‌ای از همکاران مطبوعاتی تشکیل گردید، پس از سپاس فراوان از کوششهایی که طی ۲۰ سال عده‌ای از نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان در راه تشکیل صنفی اعضای تحریری مطبوعات گام‌های مؤثری برداشتند، تبادل نظر بمنظور گردهم‌آیی فعالان واحدهای مطبوعاتی جهت تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بعمل آمد و به چهار تن که عبارت بودند از پرویز آزادی - مسعود برزین - حسین رایتی و خسرو شاهانی مأموریت داده شد تا از اعضای تحریری مطبوعات دعوت کنند. کارت‌های دعوت که به امضای دو تن از چهارتن فوق‌الذکر رسیده بود توسط آقای محمد علی چرمی (وی نخستین کسی بود که پس از تأسیس سندیکا به عنوان مسؤول دفتر و آرشیو دبیرخانه سندیکا استخدام شد و بیش از ۲۵ سال در پست خود صادقانه خدمت کرد) برای بیش از ۱۵۰ تن از اعضای تحریری مطبوعات ارسال شد. متن دعوت‌نامه: «همکار عزیز، صمیمانه از شما دعوت می‌شود برای بحث و اخذ تصمیم درباره پیش‌نویس اساسنامه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران که توسط هیأت منتخب موقت تهیه و تدوین شده است ساعت پنج بعدازظهر پنجم مهرماه جاری (مهر ۱۳۴۱) در سالن مدور پارک شهر سرفرازمان فرمائید. مسعود برزین - پرویز آزادی».

از عده دعوت‌شدگان حدود ۴۵ تن در این جلسه شرکت کردند و پس از بحث روی اساسنامه پیشنهادی برخی مواد و بعضی تبصره‌ها اصلاح شد و به تصویب رسید، در همین جلسه عده‌ای را مأمور کردند تا هرچه زودتر مقدمات تشکیل نخستین مجمع عمومی را فراهم سازند. در پایان عکس یادگاری هم گرفته شد که ۳۶ تن در عکس دیده می‌شوند و نام آنان در زیرنویس عکس آمده است ولی ۹ تن دیگر که در عکس نیستند عبارتند از: «خسرو شاهانی، سیامک پورزند، ایوب

کلانتری، اسد منصور، حسین سرفراز، عباس واقفی و این جانب، چون من جلسه را زودتر ترک کردم دوتن و احتمالاً کسان دیگری که در آخر جلسه به این جمع اضافه شدند یادم نیست.

در ۲۴ آبان ۱۳۴۱ اولین مجمع عمومی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، این بزرگترین تشکیلات مطبوعاتی پس از دو دهه پر ماجرا در نتیجه کوشش و زحمت اعضای تحریری مطبوعات با حضور ۹۳ تن از نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان و عکاسان خبرنگار و کاریکاتورست‌ها در سالن دبستان فیروزکوهی تشکیل شد و پس از اصلاح اساسنامه و تصویب آن نخستین هیأت مدیره متشکل از ۱۱ تن عضو اصلی و ۳ تن عضو علی‌البدل و ۳ تن بازرس انتخاب شدند. در اولین جلسه هیأت مدیره که در بعدازظهر دو شنبه پنجم آذرماه ۱۳۴۱ در دفتر اسماعیل رائین تشکیل شد، مسعود برزین بسمت دبیر و شادروان ذبیح‌الله منصوری به ریاست هیأت مدیره و داریوش همایون و اسماعیل رائین (نواب رئیس) و هوشنگ پور شریعتی خزانه‌دار و پرویز آزادی به سمت منشی هیأت مدیره انتخاب شدند.

دومین مجمع عمومی عادی سندیکا، ۵ بعدازظهر هیجدهم مهرماه ۱۳۴۲ با شرکت ۱۴۳ تن از اعضای تحریری مطبوعات در تالار دبستان فیروزکوهی تشکیل شد و اعضای هیأت مدیره و علی‌البدل و بازرسان انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره دوم داریوش همایون به سمت دبیر، مسعود برزین رئیس هیأت مدیره، محمود پور شالچی و ایرج تهریزی (نواب رئیس) حسین راستین خزانه‌دار و ناصر خداپنده بسمت منشی انتخاب شدند.

سومین مجمع عمومی عادی روز پنجشنبه نهم مهرماه ۴۳ در تالار دبستان فیروزکوهی رسمیت یافت. در این مجمع ۱۰۸ تن از نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات عضو سندیکا شرکت داشتند و اساسنامه سندیکا در ۳۷ ماده و دو تبصره با اتفاق آراء به تصویب رسید. بموجب اساسنامه جدید دبیر هیأت مدیره جداگانه در مجمع عمومی انتخاب نمی‌شود و اعضای هیأت مدیره از ۹ تن به ۱۱ تن افزایش یافت (در دوره اول و دوم دبیر در مجمع عمومی انتخاب می‌شد) در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره سوم، رضا مرزبان دبیر، محسن موحد رئیس هیأت مدیره و سید رضا جعفر طیاری و طاهره صفارزاده (نواب رئیس) اسماعیل یگانگی (خزانه‌دار) و احمد ریاحی کاشانی (منشی) انتخاب شدند.

۵ بعدازظهر پنجشنبه ۲۲ مهرماه ۴۴ چهارمین مجمع عمومی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران در تالار دبستان فیروزکوهی با شرکت ۱۱۸ تن از اعضای سندیکا رسمیت یافت. در این جلسه پس از انتخاب ۳ تن اعضای هیأت نظارت بر انتخابات ۱۱ تن به عنوان هیأت مدیره و ۳ تن عضو علی‌البدل و ۳ تن بازرس انتخاب شدند. در نخستین جلسه چهارمین هیأت مدیره اسماعیل رائین بسمت رئیس هیأت مدیره و محمدطاهر طاهریان و ویکتوریا بهرامی (نواب رئیس) غلامحسین صالحیار بسمت دبیر و خانم آوانسیان (خزانه‌دار) و خسرو شاهانی بسمت منشی هیأت مدیره برگزیده شدند.

پنجمین مجمع عمومی عادی با شرکت ۱۴۱ تن از اعضای سندیکا، بعد از ظهر ۲۱ مهر ماه ۴۵ در تالار دبستان فیروزگوهی تشکیل شد. چند تن پیرامون بعضی مواد اساسنامه سخنرانی کردند و پس از تغییراتی به تصویب رسید. آنگاه اخذ رای بعمل آمد و ۱۱ تن به عنوان هیأت مدیره و ۳ تن علی البدل و ۳ تن بسمت بازرسان هیأت مدیره دوره پنجم انتخاب شدند. هیأت مدیره دوره پنجم در نخستین جلسه خود هیأت رئیسه یا اجرائیه را بشرح زیر انتخاب کرد: «عباس واقفی (رئیس هیأت مدیره) ایرج تبریزی و منصور تاراجی (نواب رئیس) رضا مرزبان (دبیر) منوچهر صمصامی (خزانه دار) هاید، بایگان (منشی).

ششمین مجمع عمومی عادی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات با شرکت ۱۱۴ تن از اعضای سندیکا در بعد از ظهر بیستم مهر ماه ۱۳۴۶ در تالار دبستان فیروزگوهی تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش دبیر و خزانه دار هیأت مدیره پیشین و انتخاب هیأت نظارت بر انتخابات ۱۱ تن بسمت عضو هیأت مدیره و ۳ تن بازرسان انتخاب شدند. هیأت مدیره دوره ششم در نخستین جلسه خود، مهین ظفری را بسمت رئیس و اسماعیل یگانگی (نایب رئیس) و مهدی بهشتی پور (خزانه دار) و خسرو شاهانی را بسمت منشی هیأت مدیره انتخاب کردند.

پنج بعد از ظهر ۲۵ مهر ماه ۱۳۴۷ هفتمین مجمع عمومی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات با شرکت ۱۱۵ تن از اعضای سندیکا تشکیل گردید، پس از انتخاب رئیس و دو تن منشی برای اداره مجمع، گزارش دبیر و خزانه دار دوره پیشین قرائت گردید و مورد تأیید حاضران در مجمع قرار گرفت، آنگاه جهت انتخاب هیأت مدیره و بازرسان اخذ رای به عمل آمد و ۱۱ تن بسمت هیأت مدیره و ۳ تن بعنوان بازرسان هفتمین دوره هیأت مدیره انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره این دوره رضا جعفر طیاری (رئیس) احمد الوند (نایب رئیس) منصور تاراجی (دبیر) نعمت الله ناظری (خزانه دار) مسعود بهنود (منشی) انتخاب شدند.

هشتمین مجمع عمومی عادی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در ساعت پنج بعد از ظهر ۷ مهر ماه ۱۳۴۸ در سالن دبستان فیروزگوهی با شرکت ۲۳۰ تن از اعضای سندیکا تشکیل گردید. ابتدا مسن ترین عضو سندیکا در این مجمع تیمور رشدی رسمیت جلسه را اعلام کرد، سپس رئیس و دو منشی مجمع انتخاب شدند، آنگاه گزارش دبیر و خزانه دار دوره پیشین قرائت شد و مورد تأیید قرار گرفت، سپس اخذ رای بعمل آمد و ۱۱ تن به عنوان هیأت مدیره و ۳ تن به عنوان عضو علی البدل و ۳ تن بازرسان انتخاب شدند. در نخستین جلسه دوره هشتم هیأت مدیره مهدی بهشتی پور بسمت (رئیس) بیژن امامی (نایب رئیس) منوچهر محجوبی (دبیر) محمد حیدری (خزانه دار) ناصر ملک محمدی بسمت (منشی) انتخاب گردیدند.

نهمین مجمع عمومی عادی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در مهر ماه ۱۳۴۹ با حضور ۲۲۵ تن از اعضای سندیکا تشکیل شد و ۱۱ تن به عنوان هیأت مدیره و ۳ تن علی البدل و ۳ تن بازرسان هیأت مدیره دوره نهم انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره نهم حسین

سرفراز بسمت (رئیس) نعمت ناظری (نایب رئیس) علی باستانی (دبیر) مسعود بهنود (خزانه دار). هوشنگ پور شریعتی بسمت منشی انتخاب شد. در این هیأت مدیره تغییراتی بعمل آمد منجمله هوشنگ پور شریعتی بعلت اشتغال فراوان و دکتر سیروس آموزگار بعلت مسافرت به لندن برای کسب تخصص مستعفی شدند و بجای این دو تن عباس عبدی و کیوان سپهر اعضای علی البدل به عضویت در هیأت مدیره دعوت شدند. مسعود بهنود بعلت مسافرت از خزانه داری مستعفی و بجای او علی پاداش و محمد تقی اسماعیلی بجای پور شریعتی منشی هیأت مدیره شد.

در مهر ماه ۱۳۵۰ یازدهمین مجمع عمومی عادی با حضور کثیری از اعضای سندیکای نویسندگان در سالن اجتماعات دبستان فیروزکوهی تشکیل گردید. پس از گزارش علی باستانی دبیر و علی پاداش خزانه دار دوره نهم، گزارش آنان مورد تأیید قرار گرفت. آنگاه برای انتخاب اعضای هیأت مدیره و علی البدل و بازرسان دوره دهم هیأت مدیره، اخذ رای بعمل آمد و هیأت مدیره و اعضای علی البدل و ۳ تن بازرسان و اعضای سایر ارگانهای سندیکا انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره دهم حسین مهری (رئیس) ناصر ملک محمدی (نایب رئیس) رضا مرزبان به دبیری و محمد حیدری خزانه دار دوره دهم انتخاب شدند.

سیزدهمین مجمع عمومی عادی سالانه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ساعت هفت بعد از ظهر دوم آبان ۱۳۵۳ در سالن اجتماعات دبستان فیروزکوهی با حضور بیش از ۲۳۵ تن عضو سندیکا به ریاست منوچهر محجوبی و دو تن منشی (خانم آوانسیان و محسن قهرمان) آغاز به کار کرد، پس از گزارش دبیر و خزانه دار و رئیس صندوق بیکاری، آنگاه رئیس دومین دوره هیأت داور سندیکا ضمن گزارش مشروحی که قرائت کرد خواستار افزودن تبصره ای به ماده ۱۰ اصلاحاتی در موادسی و یک و سی دوم اساسنامه سندیکا شد. اعلام رای شد و با اتفاق آرا گزارشهای دبیر و خزانه دار و پیشنهاد رئیس هیأت داورى به تصویب رسید. پس از تنفس نیم ساعتی برای صرف شام، دنباله اجلاس به مجمع عمومی در ساعت ده و نیم بعد از ظهر مجدداً تشکیل شد و طبق برنامه تنظیمی اعلام نام کاندیدهای ارگانهای مختلف سندیکا آغاز شد و در این مورد چند تن صحبت کردند، آنگاه بنا بر اعلام رئیس مجمع اخذ رای بعمل آمد و مهدی بهشتی پور، محمد معلم و جلیل خوشخو بعنوان اعضای هیأت نظارت بر انتخابات برگزیده شدند و تحت نظر آنان، اوراق رای توزیع شد و سپس این ورقه ها در چهار صندوق: (۱- صندوق آرای هیأت مدیره ۲- صندوق آرای بازرسان سندیکا ۳- صندوق آرای هیأت داورى ۴- صندوق آرای شورای عامل صندوق بیکاری) جمع آوری گردید، پس از استخراج و قرائت آراء در حضور عده کثیری از اعضای سندیکا، نامهای برگزیده ها اعلام شد. این مجمع که از ساعت ۷ بعد از ظهر روز دوم آبان ۱۳۵۳ آغاز به کار کرده بود در ساعت پنج بامداد روز سوم آبان ۵۳ پایان یافت و در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره یازدهم سندیکا، احمد مرادی به ریاست هیأت مدیره و محمد طاهر طاهریان به دبیری و غلامعلی لطفی خزانه دار دوره یازدهم انتخاب شدند.





جلسه هیأت مؤسس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، پنجم مهرماه ۱۳۴۱.

چهاردهمین مجمع عمومی عادی سالانه سندیکا از ساعت شش بعدازظهر روز ۲۴ مهرماه ۵۴ با حضور ۱۹۹ تن از اعضای رسمی سندیکا در سالن دبستان فیروزکوهی به ریاست سنی شادروان ذبیح‌الله منصور ریسمیت یافت، سپس نسبت به انتخاب رئیس و دو منشی اعلام‌رای شد که در نتیجه نصیر امینی به عنوان رئیس، و خانم سرشار و محسن قهرمان به سمت منشی‌های مجمع برگزیده شدند. آنگاه طبق برنامه تنظیمی محمدطاهر طاهریان دبیر یازدهمین دوره سندیکا به خواندن گزارش خود پرداخت و پس از وی غلامعلی لطیفی خزانه‌دار توضیح‌های لازم و کافی داد، بنا بر اعلام ریاست مجمع هر دو گزارش به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. گزارش رئیس هیأت داوری و گزارش رئیس شورای عامل صندوق بیکاری نیز داده شد و مورد تأیید قرار گرفت. پس از تنفس ۴۰ دقیقه‌ای در ساعت ۱۱ و ده دقیقه بعدازظهر جلسه مجمع عمومی مجدداً تشکیل و نسبت به انتخاب ۳ عضو هیأت نظارت بر انتخابات نظرخواهی شد و یدالله ذبیحیان و عبدالله رحیمیان لنگرودی و احمد شکرینا بدین سمت برگزیده شدند. در این موقع معرفی کاندیدها آغاز شد و به ترتیب نزدیک به ۲۰ تن صحبت کردند و نام نامزدان انتخاباتی را اعلام کردند. سپس اخذ رای بعمل آمد و ۷ تن اعضای هیأت مدیره دوازدهمین دوره سندیکا و ۳ تن بازرسان و ۷ تن برای هیأت داوری و ۵ تن شورای عامل صندوق بیکاری انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره این دوره حسین آل ابراهیم (رئیس) و ناصر ملک‌محمدی (نایب رئیس) و نعمت‌الله ناظری (دبیر) و محمدتقی اسماعیلی (خزانه‌دار) انتخاب شدند، لازم به ذکر است این جانب در این دوره بعلت اینکه

از طرف ساواک و وزارت اطلاعات و جهانگردی ممنوع القلم شده بودم مجاز به عضویت در هیأت مدیره نبودم و بنابراین وزارت کار پروانه هیأت مدیره را پس از استعفای من از هیأت مدیره پذیرفت و بدین ترتیب با اینکه رای اول را آورده بودم ناگزیر شدم از هیأت مدیره استعفا دهم.

شانزدهمین مجمع عمومی عادی سندیکای نویسندگان بعد از ظهر ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۶ بعلمت عدم حضور اکثریت تشکیل نشد، مجمع مذکور در دومین مرحله روز پنجشنبه ۵ بعد از ظهر ۱۲ آبان ۵۶ در تالار دبستان فیروزکوهی با حضور ۲۶۹ تن تشکیل شد، ابتدا شادروان تیمور رشدی رئیس سنی مجمع عمومی، رسمیت جلسه را اعلام کرد. سپس رئیس و دو منشی انتخاب شد و ریاست جلسه را عباس صالحون بعهدہ گرفت. نعمت ناظری دبیر دوره دوازدهم گزارش خود را قرائت کرد، سپس هاشم محبوب بازرس دوره مذکور گزارش بازرسان را اعلام کرد، آنگاه محمد تقی اسماعیلی خزانه دار دوره دوازدهم گزارش مالی سندیکا را قرائت کرد، محمدعلی سفری رئیس هیأت داوری نیز گزارشی کار این هیأت را خواند، آنگاه محمد رضا فرجاد وضع مالی صندوق بیکاری را مطرح کرد، کلیه گزارشهای مطرح شده در مجمع عمومی باتفاق آرا مورد تأیید حاضران در مجمع قرار گرفت، آنگاه برای انتخاب ۳ تن عضو هیأت نظارت بر انتخابات رای گرفته شد و رسول صدر عاملی، شاهرخ دستور تبار و جهانبخش نورانی انتخاب شدند، سپس اخذ رای برای انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرسان دوره سیزدهم و اعضای سایر ارگانهای این دوره بعمل آمد و قرائت آرا آغاز شد و این جلسه پر شور در ساعت ۱ $\frac{1}{4}$  بامداد روز بعد پایان یافت. در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره سیزدهم سید محمد خوانساری (رئیس هیأت مدیره) ستار لقانی (نایب رئیس) محمدعلی سفری (دبیر) و هرمز مالکی بعنوان خزانه دار انتخاب شدند.

هفدهمین مجمع عمومی عادی سالانه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران (نوبت دوم) از ساعت پنجم و نیم بعد از ظهر ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۸ با شرکت ۱۶۷ تن از اعضاء سندیکا در تالار دبستان دخترانه فیروزکوهی تشکیل شد، جلسه با سخنرانی کوتاه مرحوم تیمور رشدی ریاست سنی جلسه، درباره نقش سندیکاها و تقارن ۲۶ مهر ماه با چهلمین روز درگذشت آیت الله طالقانی آغاز شد و به احترام این مجاهد نستوه اعلام یک دقیقه سکوت کرد. سپس عباس صالحون به سمت رئیس و محمد ابراهیمیان و خانم آوانسیان با اکثریت آراء بعنوان منشی های مجمع برگزیده شدند. سپس محمدعلی سفری دبیر پیشین سندیکا در مدت دو ساعت گزارش مشروحی درباره کارنامه هیأت مدیره دوره سیزدهم در ۳۷ صفحه قرائت کرد و با اکثریت آراء به تصویب مجمع رسید. آنگاه هرمز مالکی خزانه دار هیأت مدیره پیشین سندیکا گزارش مالی و ترازنامه آن را قرائت کرد و مجمع به اتفاق آراء آن را تصویب کرد. احمد ریاحی کاشانی رئیس هیأت داوری نیز گزارشی از فعالیت های این هیأت را به سمع مجمع رسانید و رای هیأت را دائر بر اخراج چند تن از اعضای سندیکا را بدلیل رعایت نکردن وظایف سندیکایی اعلام نمود. اخراج این گروه پس از مخالفت و موافقت ۳ تن از اعضای سندیکا و جوابگویی رئیس هیأت داوری با رای گیری مجمع تصویب شد.

همچنین گزارش شورای عامل صندوق بیکاری توسط محسن قهرمان نایب رئیس این شورا خوانده شد و به تصویب رسید. آنگاه ۳ تن (جواد نوشین، بهترین و شفتی) بعنوان هیأت نظارت بر انتخابات تعیین شدند و پس از معرفی کاندیداها توسط چند تن از اعضاء سندیکا، ۷ تن بعنوان هیأت مدیره و ۳ تن بازرسان و ۷ تن عضو هیأت داوری و ۵ تن عضو شورای عامل صندوق بیکاری انتخاب شدند. جلسه مذکور در ساعت چهار بامداد روز بعد (جمعه) ۲۷ مهرماه پایان یافت. در نخستین جلسه هیأت مدیره دوره چهاردهم محمد بلوری (رئیس هیأت مدیره)، اسماعیل جمشیدی (نایب رئیس)، محمد حیدری (دبیر) و مسعود مهاجر (خزانه‌دار) انتخاب شدند.

جالب اینکه بتدریج که عده اعضای حرفه‌ای سندیکا، یعنی اعضای که تمام یا قسمت عمده درآمدشان از حقوق و مزایای دریافتی از کارفرمایان مطبوعات تأمین می‌شد، افزایش می‌یافت، سندیکا بیش و بیشتر به سوی هدف اصلی‌اش که در دوران «ژورنالیسم» حرفه‌ای مورد توجه بود - یعنی ضمن مطالبه کردن خرواستهای رفاهی، تأمین امنیت شغلی و عدم تبعیض بین نویسندگان و خبرنگاران زحمتکش مطبوعات با مطبوعاتیان بالا دست - لغو هرگونه سانسور و خودسانسوری در مطبوعات پیش می‌رفت و بیش از پیش بر اعتبارش از این لحاظ افزوده می‌شد.

بر همین اساس بود که به همت فعالین سندیکای نویسندگان، سازمانهای جنبی متعددی که هرکدام یک هدف خاص اجتماعی و فرهنگی و رفاهی را دنبال می‌کرد تأسیس شد که عبارت بودند از: هیأت امناء صندوق تعاون که بعدها به نام صندوق کمکهای اضطراری برای وام ضروری به اعضاء سندیکا که به صورت اقساط جزئی مسترد می‌شد به فعالیتش ادامه داد. لازم به ذکر است که این صندوق پس از انتخاب نخستین هیأت مدیره سندیکا مسؤولیت آن به بهرام افرهی داده شد ولی وی پس از مدت کوتاهی استعفا داد و هیأت مدیره وقت از من خواست تا مسؤولیت این صندوق را بعهده بگیرم.

صندوق بیکاری - برای پرداخت قسمت عمده‌ای از حقوق اعضای از سندیکا که بهر علتی از مشاغل مطبوعاتی خود بیکار می‌شدند. صندوق رفاه نویسندگان و خبرنگاران حرفه‌ای برای برخوردار کردن این گونه اعضاء تحریریه مطبوعات از بیمه عمر، و شرکت تعاونی مسکن برای تهیه خانه یا آپارتمان. هر یک از این سازمانهای جنبی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، در راستای هدفهای خاص خود خدمات شایان توجهی به اعضاء وابسته به خود کرد، از جمله آنکه شرکت تعاونی اعتبار و مسکن در پی سالها تلاش و پیگیری هیأت مدیره و بازرسان و مدیر عاملهایش که نویسنده این سطور نیز افتخار ریاست هیأت مدیره آن را بر عهده داشت (هیأت مدیره آن عبارت بودند از مهدی بهشتی‌پور، غلامعلی لطیفی، محسن موحد، علی پاداش و بازرسان عبارت بودند از: عبدالله گله‌داری، رحیم تزی و مدیران عامل علی باستانی، منوچهر محجوبی و حسین آل ابراهیم) این شرکت که در سال ۱۳۵۱ زمینی را از سازمان زمین خریداری کرده بود و در سال ۱۳۵۲ آغاز به ساختمان کرده سرانجام در تابستان ۱۳۵۵ موفق شد ۱۲۲ دستگاه آپارتمان به

اعضای خود و خانواده آنان که هر یک تا آن زمان در حد بیست درصد پیش قسط هزینه ساختمان را پرداخت کرده و بقیه را که به صورت وام ۱۲ ساله از بانک رهنی ایران (بانک مسکن) دریافت و به پیمانکار پرداخت شده بود و متعهد شده بودند تا پایان مدت استرداد وام اقساط خود را بپردازند، در اختیارشان بگذارند.

صندوق رفاه نویسندگان و خبرنگاران حرفه‌ای مطبوعات یکی دیگر از ارگانهای موفق سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات است، نخستین مجمع عمومی این صندوق که در اوایل، زیر نام صندوق تعاونی خبرنگاران آغاز به فعالیت کرد، در ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۹ تیرماه ۱۳۴۹ با حضور ۳۰ تن از نویسندگان و خبرنگاران حرفه‌ای به ریاست این جانب تشکیل شد. در این مجمع اساسنامه صندوق مذکور به تصویب رسید و سپس برای انتخاب پنج تن اعضای اصلی و ۳ تن اعضای علی‌البدل هیأت مدیره و ۲ تن بازرس اخذ رای بعمل آمد و ۵ تن عضو اصلی هیأت مدیره که این جانب یکی از آنان بودم و همچنین ۳ تن عضو علی‌البدل و ۲ تن بازرسان انتخاب شدند. در نخستین جلسه هیأت مدیره این صندوق من بعنوان رئیس انتخاب شدم ولی چون در موقع ثبت صندوق مأموران ساواک و شهربانی با عضویت من در هیأت مدیره این صندوق مخالفت کردند، بخاطر حفظ موجودیت این صندوق مجبور به استعفا شدم و یکی از اعضای علی‌البدل هیأت مدیره بجای من معرفی شد و با ثبت صندوق مذکور موافقت گردید. هیأت مدیره این صندوق موفق شد ۱۲۵ عضو تحریری حرفه‌ای تمام وقت خود را در نزد شرکت بیمه ایران بیمه عمر با سرمایه‌ای معادل هر تن یک میلیون ریال کند و حق بیمه ماهانه آنان را که از محل ۵ درصد درآمد آگهیهای دولتی مندرج در جراید وصول و ایصال می‌شد بپردازد. صندوق مذکور همچنین حدود ۱۰ درصد از درآمد سالانه خود را برای کمک به شرکت تعاونی مسکن سندیکا اختصاص داد. این صندوق را هیأت مدیره پنج نفره با دو بازرس اداره می‌کردند که ریاست آن را نعمت ناظری که یکی از بنیانگذاران و فعالان سندیکا است برعهده داشت و عمده کارهای این صندوق را در تمام دوران موجودیت آن به نحو احسن انجام می‌داد.

صندوق بیکاری و نیز صندوق تعاون هم در مدت فعالیتشان در حد خود خدمات رفاهی شایان ملاحظه‌ای به اعضای سندیکا کردند خاصه پس از تعطیل شدن ۵۷ نشریه در سال ۱۳۵۳ که حدود ۲۵۰ تن از اعضای تحریری روزنامه‌ها و مجله‌ها بیکار شدند و ماهها از درآمد مطبوعاتی خود محروم ماندند برای تأمین سرمایه اولیه این صندوق از جمله کسانی که فعالیت چشمگیری داشت پرویز آزادی بوده که به ریاست اولین شورای عامل این صندوق برگزیده شد.

یکی دیگر از ارگانهای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، هیأت داوری است که دارای ۷ عضو بود و در مجامع عمومی از بین باسابقه‌ترین افراد سندیکا انتخاب می‌شدند، عمده وظایف هیأت داوری رسیدگی به شکایاتی بود که از اعضای سندیکا به عمل می‌آمد و فقط در مورد اخراج از عضویت سندیکا، هیأت داوری ملزم بود رای خود را در مجمع عمومی مطرح کند و در صورتیکه

مجمع با رای اکثریت اخراج عضو را تأیید می‌کرد، آن عضو سندیکا اخراجی محسوب می‌شد. همچنین سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات چندین کمیته که مهمترین آنها کمیته تشکیلات است که سالها این جانب مسؤلیت آن را بعهده داشتم، نیز این سندیکا یک بولتن هفتگی ویژه اعضای خود منتشر می‌کرد. سندیکا علاوه بر اعضای تحریری مطبوعات و اعضای تحریری و خبری رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون که عده آنان تا سال ۱۳۶۰ به حدود ۶۶۷ تن رسید (متأسفانه تاکنون قریب شصت تن از آنان درگذشتند) همچنین عضو افتخاری هم داشت از جمله: سیدمحمد علی جمالزاده، سعید نفیسی، عبدالرحمان فرامرزی، سیدمحمد محیط طباطبایی و پرفسور محسن هشترودی و ابراهیم خواجه‌نوری و... بجز دانشمند گرانمایه سید محمدعلی جمالزاده که در آستانه ۱۰۷ سالگی است بقیه اعضای افتخاری سندیکا به رحمت ایزدی پیوستند. اجرای پیمان دسته جمعی کار: یکی از فعالیت‌های نتیجه بخش سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات انعقاد پیمان دسته جمعی کار برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات ایران تهیه و به اجرا درآمد، پیمان دسته جمعی کار در دوره دوازدهم هیأت مدیره سندیکا، پس از چند ماه مذاکره بین نمایندگان کارفرمایان روزنامه‌های آیندگان، اطلاعات، کیهان و چند نشریه دیگر و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، طبق قانون کار امضاء شد.

در وهله اول از طرف کارفرمایان مطبوعات: فرهاد مسعودی (روزنامه اطلاعات) دکتر مصطفی مصباحزاده (روزنامه کیهان) و داریوش همایون (روزنامه آیندگان) و از جانب هیأت مدیره سندیکا نعمت ناظری دبیر سندیکا و از جانب وزارت کار، مدیر کل وقت روابط کار در حضور وزیر کار و معاونان آن وزارتخانه به امضاء رسید.

**طبقه‌بندی مشاغل تحریری مطبوعات:** براساس پیمان کار، مقرر گردید طبقه‌بندی مشاغل در مطبوعات به اجرا گذارده شود، در این مورد نمایندگان هیأت مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران بیش از چهار ماه سرگرم طبقه‌بندی و نزدیک به تصویب بود که نهضت انقلاب اسلامی ایران رو به اوج گذاشت و وزارت کار، دیگر امکان مذاکرات را تحمل نکرد، بدین ترتیب بود که اگرچه پیمان دسته جمعی کار در دو واحد بزرگ مطبوعات (اطلاعات و کیهان) به اجرا درآمد ولی طبقه‌بندی مشاغل امکان اجرا نیافت.

دیدارهای ماهانه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، یکی از روی دادهای پرحاصل این تشکل و دارای حسن شهرت مطبوعاتی بود که هر ماهه در محل دبیرخانه سندیکا برگزار می‌شد. این دیدارها که تقریباً طی تمام دوره‌های چهارده گانه هیأت‌های مدیره منتخب، دوام مستمر داشت در آخرین پنجشنبه هر ماه خورشیدی برگزار می‌شد - مگر آنکه بطور استثنای دلیل موجه برای تعطیل آن وجود می‌داشت. دیدارهای ماهانه سندیکا بطور عمده بمنظور آشنایی هرچه بیشتر اعضا با هم و با هیأت‌های مدیره و مبادله آزاد دیدگاههای سندیکایی و بهره‌مندی از هم‌فکری و همکاری هرچه گسترده‌تر بین اعضای سندیکا برگزار می‌شد. در غالب این دیدارها

دیران وقت سندیکا یا رئیس هیأت مدیره و یا مسؤولان سایر ارگانها سخنرانی کوتاهی می کردند و اگر پیشنهاد و نظری بود مطرح می شد و سپس اعضای سندیکا - اعم از قدیمی ها یا جدیدی ها - اگر نظر، پیشنهاد یا انتقادی داشتند برای طرح در جلسه های هیأت مدیره مطرح می کردند. در تمام این دیدارها حضور روزنامه نگاران غیر سندیکایی به عنوان میهمان آزاد بود که اغلب شان سپس خواستار عضویت سندیکا می شدند و پس از طی تشریفات قانونی به عضویت رسمی یا افتخاری سندیکا پذیرفته می شدند. در جریان همین دیدارها بود که از عده ای شخصیت های مطبوعاتی پیشکسوت که دوران کهنوت و کم فعالیتی را می گذرانیدند دعوت بعمل می آمد و حضور آنان در این دیدارها موجب می شد که طی مراسم خاصی از آنان تجلیل شود - شخصیت هایی چون استادان: عبدالرحمن فرامرزی و سید محمد محیط طباطبایی و ...

روز ششم اسفند ۱۳۴۹ روزنامه نگار معروف استاد عبدالرحمن فرامرزی به سندیکای نویسندگان و خبرنگاران آمد و در دیدار ماهانه سندیکا شرکت کرد، ضمن تجلیل از او، عضویت افتخاری سندیکای نویسندگان و خبرنگاران را پذیرفت. او در میان کثیری از اعضای سندیکای نویسندگان گفت: «از اینکه بمن محبت کردید و این افتخار بزرگ را بمن دادید و مرا دعوت کردید بی نهایت تشکر می کنم. آدم هایی که مثل ما زندگی کردند، از این دعوت ها زیاد شدند، مجامع بزرگ دعوتشان کردند ولی این دعوت شما برای من بالاتر از همه آنهاست. بوی پیرامون دفاع از حیثیت خبرنگاران و نویسندگان و از کسانی که با قلم پرارزش خود در راه حفظ استقلال و بهبود کشور خدمت کرده اند سخن گفت و افزود نویسنده مطبوعات باید بداند که پزشک اجتماع است و توصیه کرد حقوق نویسنده و خبرنگار حتماً باید محفوظ بماند و نویسنده و خبرنگار باید تأمین داشته باشد. وی که در تیر ماه ۱۳۵۱ درگذشت سندیکا شماره مخصوصی بمناسبت درگذشت استاد فرامرزی منتشر کرد.

روز پنجشنبه ششم خرداد ماه ۱۳۵۰ سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات دیدار ماهانه اش را بسیار گرم و پر شور برگزار کرد. میهمان این روز سندیکا استاد سید محمد محیط طباطبایی بود که با حضور خود در مجمع کثیر نویسندگان و خبرنگاران موقع و مقامی به دیدار ماهانه سندیکا بخشیده بود که شور و هیجانش بیش از حد انتظار هم سندیکاییان بود. محیط طباطبائی استاد نویسنده و پیشکسوتی که جامعه مطبوعات، بسیاری از ارزشهای خود را بدو مدیون است، در این دیدار قبل از سخنان استاد، رئیس هیأت مدیره وقت سندیکا در بیان تجلیل از استاد محیط، وجود وی را مایه آبرو و حیثیت مطبوعات دانست و آرزو کرد که نویسندگان عموماً از هدف های انسانی و برحق استاد محیط طباطبائی پیروی کرده و شیوه کار او را در امر نویسندگی که جانبداری از حق و حقیقت است دنبال کنند. سخنرانی استاد محیط طباطبائی در آن روز بسیار گرم و آموزنده بود و درباره مسائل و مشکلات مطبوعاتیان سخن گفت و افزود: «مسئلاً در آینده قوانین جدیدی بوجود خواهد آمد و طولی نخواهد کشید که این دولت و یا دولت های بعدی ضوابطی در

خصوصاً امر روزنامه‌نگاری بوجود خواهد آورد که موقع مطبوعات را بدان باز می‌گرداند. استاد گفت: در صورت ظاهر مطبوعات خوب است ولی با کمال تأسف آن قسمت را که مربوط به محتوا می‌شود درخشان نیست. شما جهاد می‌کنید. قلم شما شمشیر است که در راه سعادت و بهبود بدرجاتی برسانید که شایسته نام بزرگ مطبوعات است...

نیز ضمن برگزاری همین دیدارها بمنظور بزرگداشت اعضای از سندیکا که به ستین کهولت یا بازنشستگی می‌رسیدند تشریفات ویژه‌ای بعمل می‌آمد و علاوه بر لوح تقدیر سندیکایی هدایایی خواه از سوی هیأت مدیره وقت یا جانب دستداران سندیکا بدانها تقدیم می‌شد. از آن جمله بود بزرگداشت‌هایی که برای تجلیل از فعالیت‌های سندیکایی و خدمات صادقانه مطبوعاتی چندین دهه: شادروان ذبیح‌الله منصوری (پنجشنبه هفتم اسفند ۱۳۴۸) شادروان صدری میرعمادی (پنجشنبه هفتم اسفند ۱۳۵۴)، مهدی بهشتی‌پور (پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۵۸)، جهانگیر پارساخو (سوم بهمن ۱۳۷۱)، شادروان اسدالله نه‌ریاری (پنجشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۷۲)، شادروان علی‌اکبر کسامی (ششم خرداد ماه ۱۳۷۲)، غلامحسین ملک عراقی (پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۷۲)، شادروان حسین جباری (پنجشنبه سوم بهمن ۱۳۷۳) و روز ششم مهرماه ۱۳۷۴ مراسم آغاز سی و پنجمین سال سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و تجلیل از خدمات مطبوعاتی غلامحسین صالحیار. گفتنی است که آخرین دیدار ماهانه سندیکایی در هر سال خورشیدی در آخرین سه شنبه سال در محل مطبوعاتی دارای حیاط وسیع برگزار می‌شد و طی آن مراسم خاصه چهارشنبه‌سوری همراه لطفه‌گویی و پریدن از روی آتش و خنده و شادی اجرا می‌گردید. همچنین گفتن دارد که نخستین دیدار سندیکایی در هر سال دیدار نوروزی بود که همیشه پرجمعیت‌ترین دیدارهای سال محسوب می‌شد و ضمن آن بازار تبریک‌گویی و بوسه و هدیه گرفتن و هدیه دادن رواج شادی بخشی داشت.

نقش مهم سندیکا در دو اعتصاب: در تاریخ مطبوعات ایران دو اعتصاب عمومی که در آستانه انقلاب اسلامی روی داد از ویژگی‌هایی برخوردار بود که در اعتصاب‌های قبلی وجود نداشت، نخست آنکه دامنه اعتصاب تمام کارکنان مطبوعات اعم از تحریری و اداری و فنی را دربرگرفت، دوم آنکه آغازگر اعتصاب هیأت‌های تحریری‌های مطبوعات بزرگ به رهبری سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و در همان ساعت اولیه دیگر کارکنان مطبوعات یعنی کارگران فنی و کارکنان اداری بدان پیوستند و اعتصاب جنبه عمومی پیدا کرد. سوم اینکه از همان آغاز هر دو اعتصاب کمیته‌های سه‌گانه‌ای مرکب از نمایندگان این کمیته‌ها به اتفاق هم برای تحصیل آزادی مطبوعات فعالیت گسترده‌ای را تا حصول پیروزی ادامه دادند. سرانجام، ویژگی چهارم این بود که هر دو اعتصاب عمومی از حمایت عامه مردم ایران که انقلاب ضد رژیم استبدادی را بسوی پیروزی می‌بردند بهره‌مند بود.

در اعتصاب چهار روزه (۱۹ تا ۲۳ مهر ۱۳۵۷) که بر اثر حضور دو افسر مأمور سانسور در

هیأت‌های تحریریه (اطلاعات و کیهان) آغاز شد بر اثر مذاکرات گسترده نمایندگان کمیته‌های اعتصابی با دولت شریف امامی سرانجام منشوری بنام «منشور آزادی مطبوعات» معروف شد، به امضای نمایندگان دولت و کمیته‌های اعتصابی رسید که بموجب آن برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات ایران دست آهنین سانسورچیان دولتی - خاصه ساواک - عملاً از گلوی مطبوعات قطع شد.

اما اعتصاب ۶۱ روزه هنگامی آغاز شد که مأموران فرمانداری نظامی بنا بر دستور دولت سپهد از هاری از انتشار روزنامه آیندگان در بامداد روز ۱۵ آبان ۱۳۵۷ جلوگیری کردند و سپس به قصد اشغال مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان محل این دو مؤسسه را به محاصره درآوردند و تهدید کردند که اجازه نخواهند داد خبرها و گزارشهای مطبوعاتی پیش از بازبینی و سانسور آنها به چاپ برسد. در واقع دولت نظامی از هاری به محض تشکیل قصد آن کرد که اجرای مهمترین دستاورد اعتصاب چهار روزه یعنی «منشور آزادی مطبوعات» را متوقف و بار دیگر سانسور استبدادی و ساواکی را بر مطبوعات تحمیل کند.

در جریان این اعتصاب که در تمام ۶۱ روز حاکمیت متزلزل دولت نظامی سپهد از هاری از نخستین روز تشکیل تا سقوط اقتضاح آمیز آن با فعالیت دامنه‌داری دوام یافت جز چند نشریه کم خواننده که اغلب وابسته رژیم شاهی چاپ و انتشار می‌شد، عموم مطبوعات بزرگ و نشریه‌های مستقل در تهران و شهرستانها متوقف شد.

پایان این اعتصاب بزرگ ۶۱ روزه در واقع به منزله آغاز دوران تازه و خجسته‌ای بود که امکان انتشار آزادانه مطبوعات بی‌سانسور را فراهم آورد و چنین بود که تیراژ روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از مرز یک میلیون و نیم نسخه در روز و روزنامه آیندگان از حدود ششصد هزار نسخه (در دو چاپخانه) افزون شد و این خود یکی از بزرگترین دست‌آوردهای پیروزی بخشی بود که در تاریخ یک قرن و نیم مطبوعات ایران و فعالیت چند دهه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات نظیری نداشت و ندارد، و بعکس آنچه برخی کج اندیشان مدعی هستند نه اعتصاب مطبوعات بلکه انتشار آبرومندانه و بی‌سانسور و پرتیراژ مطبوعات بود که نقش عمده‌ای در اعتلای نهضت ضد رژیم شاهی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ایفا کرد.

در پایان لازم به ذکر است که جلسه‌های هیأت مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ابتدا در دفتر اسماعیل راثین تشکیل می‌شد و مدتی در ساختمانی که دفتر علی حافظی مدیر روزنامه دنیای جدید واقع در خیابان بهارستان، خیابان دانشکده و سپس در خیابان فردوسی، اوایل خیابان کوشک، کوی خبرنگاران و نویسندگان و آنگاه دفتر دبیرخانه به محل کنونی واقع در خیابان سمیه، خیابان رامسر، پلاک ۹۴ انتقال یافت. با اینکه بیش از یکسال از تأسیس سندیکا نمی‌گذشت برخی مدیران جراید منجمله: لطف‌الله ترقی مدیر مجله ترقی، شکرالله صفوی مدیر روزنامه کوشش، علی اصغر امیرانی مدیر خواندنیها و مخصوصاً عباس مسعودی مدیر روزنامه



اطلاعات که در آذرماه ۱۳۴۲ در مؤسسه اطلاعات به مقابله با سندیکا پرداخت و دستور داد هر کس عضو سندیکا است یا فوراً از سندیکا استعفا دهد و یا از اطلاعات اخراج خواهد شد، چون چند تن حاضر به استعفا از سندیکا نشدند، از روزنامه اطلاعات اخراج شدند و این خبر در بولتن شماره ۴۴ مورخ ۳۰ آذر ۱۳۴۲ سندیکا مندرج است.

در سالهای اخیر عده‌ای از اعضای آخرین هیأت مدیره دوره چهاردهم سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که در هفدهمین مجمع عمومی عادی سالانه سندیکا به تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸ انتخاب شدند، علیرغم مشکلات و فراز و نشیب‌های متفاوت و گاه مایوس کننده، با برخورداری از حمایت و راهنمایی پیشکسوتان سندیکایی توانسته‌اند موجودیت این تنها واحد صنفی حامی اعضای تحریری مطبوعات را تاکنون حفظ کنند.

اساسنامه طی دو جلسه‌ای که در خرداد و شهریور ماه ۱۳۴۱ با حضور عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان مطبوعات تشکیل گردید به چند تن از مطبوعاتیان مأموریت داده شد تا اساسنامه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران را تهیه کنند.

پس از تهیه و تدوین اساسنامه مذکور فواد و تبصره‌های آن در جلسه پرشور ۵ مهرماه ۱۳۴۱ با حضور ۴۷ تن از مطبوعاتیان شاغل در هیأت‌های تحریری چند روزنامه و مجله در سالن اجتماعات پارک شهر تهران، تشکیل شد. اساسنامه مذکور مورد تأیید اکثریت قریب باتفاق عده حاضر در این جلسه قرار گرفت و مقرر گردید هر چه زودتر نخستین مجمع عمومی سندیکا تشکیل گردد.

این اساسنامه در نخستین مجمع عمومی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران که در ۲۴ آبان ماه ۱۳۴۱ با حضور ۹۳ تن از نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان در دبستان فیروزکوهی تشکیل گردید، پس از اصلاحاتی مورد تصویب قرار گرفت.

۱۸ مهرماه ۱۳۴۵ بعضی مواد اساسنامه سندیکا در جلسه هیأت مدیره اصلاح گردید تا به مجمع عمومی عادی سالانه این سندیکا پیشنهاد شود، یک قسمت از اصلاحات اجباری و بخاطر انطباق آن با آیین‌نامه سندیکاهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و وقت منجمله کلمه ایران از نام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات حذف شد. آیین‌نامه کارگری و کارفرمایی وزارت کار چنین اجازه‌ای را نمی‌داد که این سندیکا نمایندگی اعضای تحریری جراید کشور را به عهده داشته باشد. به همین جهت بود که سندیکای نویسندگان پیشقدم تأسیس سندیکاهای مشابه در چند استان ایران شد و به بسیاری از مطبوعاتیان مقیم آن استان‌ها در راه تأسیس سندیکا کمک کرد و از جمله این سندیکاهای: در فارس به مرکزیت شیراز و در خراسان به مرکزیت مشهد و گیلان به مرکزیت رشت و آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز و اصفهان به مرکزیت شهرستان اصفهان تأسیس شد. اصلاحات دیگری در این اساسنامه شد که همه آنها ثمره تجربیات چند ساله فعالیت هیأت مدیره‌های سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بوده است. در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۵ پنجمین مجمع

عمومی سندیکا که برای اعضای هیأت مدیره دوره پنجم و تصویب اساسنامه اصلاح شده، جدید تشکیل شده بود، در همین مجمع تمام ماده‌ها و تبصره‌های اساسنامه مذکور که در جلسه مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۴۵ هیأت مدیره دوره چهارم سندیکا اصلاح شده بود به تصویب رسید.

در ۲۴ مهرماه ۱۳۴۸ در هشتمین مجمع عمومی سندیکای نویسندگان، پس از تصویب اساسنامه جدید سندیکا، اعضاء هیأت مدیره دوره جدید انتخاب گردید و برای اولین بار دبیر سندیکا، دیگر منتخب مجمع عمومی نبود بلکه طبق اساسنامه جدید که اصلاحیه آن در این مجمع به تصویب مقرر گردید هیأت مدیره منتخب مجمع در اولین جلسه خود دبیر سندیکارا از میان اعضای منتخب هیأت مدیره برگزیند.

در مجمع عمومی فوق‌العاده ۲۷ آذرماه ۱۳۴۸ تجدید نظرهایی در اساسنامه معمول گردید که از آن جمله تعداد اعضای هیأت مدیره از ۱۱ تن به ۷ تن تقلیل یافت.

در مجمع عمومی مورخ ۲۹ مهر ۱۳۵۰ اصلاحات تازه‌ای در اساسنامه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات معمول گردید که از آن جمله تغییر تعداد اعضای هیأت مدیره اصلی مجدداً از ۷ تن به ۱۱ تن افزایش یافت.

از جمله اصلاحاتی که در اساسنامه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در مجمع عمومی ۲۴ مهرماه ۱۳۵۴ معمول گردید و به تصویب رسید مجدداً اعضای هیأت مدیره از ۱۱ تن به ۷ تن کاهش یافت و به موجب ماده ۱۹ همین اساسنامه مقرر شد که: در هیچ یک از اعضای هیأت مدیره یا بازرسان یا هیأت داورى نمی‌توانند دو دوره متوالی به این سمت انتخاب شوند.

آخرین اصلاحاتی که در اساسنامه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات معمول گردید در مجمع عمومی مورخ دوازدهم آبان ماه ۱۳۵۶ است در ماده هفتم، حق عضویت برای هر عضو ماهانه از ۱۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال و حق ورودیه از ۱۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال افزایش یافت و ماده هشت نیز به شرح زیر تغییر کرد: «اگر عضوی چهار ماه متوالی پس از دوبار اخطار کتبی با پست سفارشی به فاصله دست کم یکماه از پرداخت عضویت خودداری کند، مستعفی شناخته می‌شود».

**نشریه‌های سندیکا:** سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات علاوه بر بولتن هفتگی که ویژه اعضای سندیکا منتشر می‌کرد، به مناسبت‌هایی نیز هیأت مدیره‌های وقت این سندیکا به‌طور جداگانه فوق‌العاده‌ها و شماره‌های مخصوصی نیز چاپ و منتشر می‌کردند، نخستین شماره بولتن در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۴۱ به قطع ۲۲×۲۸ در دو صفحه بطریق استنسیل در یکصد نسخه منتشر شد و از ۵ اردیبهشت ۱۳۴۳ در همان اندازه در ۲ تا ۴ صفحه تهیه و در ۲۰۰ تا ۲۵۰ نسخه و دو سه سال بعد در ۴ صفحه و گاهی تا ۱۲ صفحه در ۵۰۰ تا ۶۰۰ نسخه چاپ و منتشر می‌شد. همچنین در دومین اعتصاب بزرگ ۶۱ روزه تعداد ۸ شماره بولتن چاپی و زیراکسی در هزاران نسخه به‌طور مرتب و یک شماره به‌طور فوق‌العاده به نام «بولتن اعتصاب» چاپ و منتشر کرده است که برخی شماره‌های آن چندبار چاپ زیراکسی می‌شد و در نقاط مختلف شهر توزیع می‌گردید.

اخبار، مقاله‌ها و مسؤولیت چاپ و نشر آنها با دبیران وقت سندیکا بود. این بولتن تا اوایل سال ۱۳۲۹ بطور مرتب چاپ و منتشر شده است.

از آن بعد به مناسبت‌های مختلف نشریه یا بیانیه‌ای توسط دبیر سندیکا یا هیأت مدیره چاپ و منتشر شده و جهت اعضاء سندیکا ارسال می‌گردد و یاد دیدارهای ماهانه سندیکا که در پنج شنبه اول هر ماه است و یا اجتماعاتی که به مناسبت‌های مختلف در دبیرخانه سندیکا تشکیل می‌شود، این نشریه‌ها بین اعضاء سندیکا و یا مطبوعاتیان توزیع می‌گردد.

بولتن‌های سندیکا که به‌طور هفتگی انتشار می‌یافت علاوه بر جنبه اطلاع‌رسانی دارای جنبه‌های آموزشی و تبلیغاتی بود و در عین حال بولتن‌های هر دوره سندیکایی در واقع آئینه تمام‌نمای دیدگاهها و نظریات هیأت مدیره‌های وقت سندیکا بوده است. بولتن سندیکا معمولاً هر شماره سرمقاله‌ای داشت که نظریات هیأت مدیره وقت سندیکارا در موارد مختلف مطبوعاتی، تشکیلاتی، آموزشی و تبلیغاتی می‌نمایاند و غالباً آن را دبیر وقت سندیکا می‌نوشت.

معمولاً در آخرین شماره بولتن که در هر دوره سندیکا منتشر می‌شد خلاصه‌ای از فعالیت‌های هیأت مدیره در آن دوره برای اطلاع عموم اعضاء سندیکا که در مجامع عمومی شرکت می‌کردند منتشر می‌شد، در هر دوره هیأت مدیره نخستین شماره بولتن حاوی مطالبی درباره مجمع عمومی و تصمیمات و نحوه انتخابات هیأت مدیره جدید و سایر هیأت‌های مدیره ارگانهای سندیکا بود.

در جریان ۱۴ دوره هیأت‌های مدیره سندیکا، بارها روی داد که وزارت اطلاعات و جهانگردی از انتشار بولتن اظهار نارضایتی می‌کردند و در بعضی مواقع انتشار آن شماره را ممنوع اعلام می‌کردند، در چنین مواردی هیأت مدیره وقت با نمایندگان وزارت کار و توسط آنان با نماینده وزارت اطلاعات و جهانگردی مذاکره می‌کردند که منجر به تصمیات مرضی‌الطرفین می‌شد و انتشار بولتن مجدداً امکان پذیر می‌گردید، متأسفانه بعضی مقام‌های رده بالای وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت چندین بار از انتشار برخی شماره‌های بولتن جلوگیری کردند و یکبار حدود یک‌ماه از چاپ و نشر آن جلوگیری به عمل آمد.

آخرین نشریه‌ای که هیأت مدیره دوران فترت منتشر کرد، در پاسخ به اتهامات واهی برخی جراید خارجی و بعضی نشریات داخلی در مورد اموال سندیکا و خط مشی هیأت مدیره خطاب به اعضاء سندیکا بود. در این بیانیه ضمن اعلام ریز وضعیت مالی سندیکا اعلام شده بود، عدم تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه ناشی از بلا تکلیفی قانون جدیدکار و آیین نامه آن تا سال ۱۳۶۷ بوده است و ظاهراً در حال حاضر نیز تعلل وزارت کار و امور اجتماعی در تعیین تکلیف سندیکا مانع از تشکیل مجمع عمومی عادی و انتخاب هیأت مدیره هیأت‌های مدیره سایر ارگانهای سندیکا گردیده است.

هیأت مدیره با آنکه از لحاظ قانونی دوره فعالیت خود را پایان یافته می‌داند، معهداً به دلیل

آنکه سندیکا را یک میراث فرهنگی ارزشمند بجامانده از دو نسل روزنامه نگاران پیشکسوت می‌داند، نهایت سعی و کوشش خود را در احیای آن خواهد کرد و امیدوار است در آینده نزدیک مثل گذشته فعال گردد.

پرس سنترو: از چندین سازمانی که در دوران رژیم گذشته برای تمرکز امور مطبوعات و تسلط دولتها بر آن بنیاد گذارده شد یکی هم سازمانی بود که در دهه پنجاه داریوش همایون مدیر روزنامه آیندگان و وزیر اطلاعات و جهانگردی ایران در صدد دایر کردن آن برآمد. خود او در یک محفل دوستانه مطبوعاتی گفته بود که می‌خواهد به کمک عده‌ای از مطبوعاتیان عضو وزارت اطلاعات و جهانگردی و خبرگزاری پارس و تنی چند از اعضای رده اول روزنامه‌های صبح و عصر و چند مدیر روزنامه و مجله که از ذکر نام شان خودداری می‌شود، سازمانی بنام «پرس سنتر» (PRESS CENTRE) از روی الگوی سازمانی به همین نام در لندن و برخی کشورهای اروپایی تأسیس کند، او در نظر داشت با بودجه وزارت اطلاعات و جهانگردی و دریافت زمین و کمک‌های مالی از دربار و صاحبان صنایع بزرگ و مدیران بانکهای خصوصی و بازرگانان معروف و بنگاههای تبلیغاتی، ساختمان عظیمی مانند پرس سنتر لندن ایجاد کند و آن را به این سازمان اختصاص دهد به طوری که این ساختمان به کلیه وسایل ارتباطی پیشرفته گفتاری و تصویری برای تبادل اخبار هم سطح بین المللی و منطقه‌ای مجهز باشد و سالن‌های متعددی برای تشکیل سمینارهای مطبوعاتی و مجامع عمومی سندیکاها و دیگر تشکلهای مطبوعاتی یا وابسته به مطبوعات داشته باشد و همچنین هر نشریه‌ای اعم از روزانه، هفتگی و ماهانه و نیز هر یک از سندیکاها و تشکلهای مطبوعاتی یا وابسته به مطبوعات دارای اتاقهای مناسبی به عنوان دفتر کار باشند تا بتوانند به هنگام مناسب از تسهیلات خبری، تصویری و رادیویی این مرکز مطبوعاتی برای نشر و اطلاع رسانی استفاده کنند.

گفتنی است که داریوش همایون هنگامی این نظر چند ساله خود را عنوان کرد که جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم محمدرضا شاه روبه اوج می‌رفت و به همین سبب هرگز از عهده آن برنیامد که این نظر خود را به منصفه عمل برساند و طرح زیرکانه او برای قرارداد همه امور مطبوعات در زیر یک سقف دولتی از حد چند نشست و برخاست و مشاوره با برخی از مطبوعاتیان همکار و هم فکر خود فراتر نرفت و پس از فروپاشی رژیم گذشته به کلی فراموش و مدفون شد.

**سندیکای کارگران صنعت چاپ:** در مقدمه این مقاله آمده بود، از جمله سازمانهای قدیمی و فعال در ایران «سندیکای کارگران چاپخانه‌ها» است، این سندیکا در دوره فعالیت خود با مسائل زیادی روبرو بوده است تا حدودی به فعالیت این سندیکا در دوره قبل و بعد از سلطنت رضا شاه اشاره شد، اما پس از خروج رضا شاه از ایران نیز سندیکای مذکور کم و بیش فعالیت داشته تا اینکه در سال ۱۳۴۴ شمسی با نیروی متشکل تر زیر عنوان «سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران» مجدداً موجودیت خود را اعلام کرد و به شماره ۳۹ به ثبت رسید. بولتن آن نیز زیر همان نام مرتباً منتشر می‌گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۸ مجمع عمومی سندیکای کارگران



# سندیکای نویسندگان و خبرنگاران

شماره ۲۴۲۷  
سال شانزدهم شماره ۱۹  
شماره روز پستی ۵۸۰  
شماره روز پستی ۲۷۱  
تلفن ۸۲۸۸۰۰

این بولتن برای اطلاع اعضای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران منحصوات انتشار می یابد و نقل و مبدیجات آن بدون کراهت مطبوع است

## سندیکا و لایحه مطبوعات



سندیکا لایحه جدید مطبوعات را مورد بحث و تجزیه و تحلیل عمیق قرار داده است تا از این رهگذر، وسیله نشر خود را بهبودی که از سندیکای نویسنده گان و خبرنگاران منحصوات اشتباهی رود با نماند و راه دور بین خود را به اجتماع و به آسانمده منحصوات دادند.

دوستان سندیکای در گذشته ضرورت سه شنبه نوبت نیز از اهمیت زیاد آن که در مجلس سندیکا منتشر باشد، به نیز بیفزایند و اعتماد

تاجد زبانی سنگی بدان داده اظهار نظر کردند.

دوستان سندیکای در جریان دلیس قوه سندیکا به این لایحه که از نیمه دوم اسفندماه سال ۲۵۳۶ که این لایحه از طرف وزارت اسلطان و جهانگردی در اختیار سندیکا گذارده شد، افراز گشته.

همراه با بار تمهیدات نوری به قاضیه تنظیم جلسه کشید منحصوات سندیکا در

### ۵ نیم صفحه نخست بولتن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران

چاپخانه ها با شرکت گروه کثیری از کارگران چاپخانه ها، هیأت مدیره جدیدی را انتخاب می کنند و در این مجمع نام سندیکا زیر عنوان: «سندیکای کارگران صنعت چاپ» به تصویب می رسد و بولتن آن تحت عنوان: «نشریه مستقل سندیکای کارگران صنعت چاپ» مرتباً منتشر می شود.

سندیکای مرکزی صنعت چاپ: صاحبان چاپخانه ها نیز در سال ۱۳۲۵ طی یک گردهم آبی تشکیلات این صنف را تحت عنوان: «سندیکای چاپخانه داران ایران» تأسیس کردند و پس از انتخاب اعضای هیأت مدیره آن، در همان سال این سندیکا به شماره ۱۸ به ثبت رسید. فعالیت این گروه در آن دوره در حد معمول بود، ولی در آبان ماه ۱۳۴۷ با تشکیل مجمع عمومی فوق العاده اساسنامه آن با اصلاحاتی تغییر کرد و زیر عنوان «سندیکای مرکزی صنعت چاپ» به فعالیت خود افزود و در همان سال این سندیکا در وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت رسید.

پس از پیروزی انقلاب، سندیکای مذکور با تشکیل مجمع عمومی با اکثریت اعضای این صنف، هیأت مدیره جدیدی انتخاب کرد و تغییرات جدیدی نیز در اساسنامه داده شد و نام آن به «انجمن اسلامی صنف صنعت چاپ» تغییر یافت. از طرف هیأت مدیره انجمن مذکور نشریه ای زیر عنوان: «نشریه انجمن اسلامی صنعت چاپ» بطور مرتب منتشر می گردید. این تشکیلات با تغییراتی در عنوان آن، اینک نیز فعال است و یک نشریه ماهانه بر محتوا نیز انتشار می دهد.

جامعه مطبوعات نوین: در سال ۱۳۴۵ باز هم از طرف چند تن از صاحبان امتیاز و مدیران مسؤول مطبوعات تشکیلاتی بنام «جامعه مطبوعات نوین» تأسیس و دکتر سیف الله وحید نیا و دکتر

محمود عنایت مسؤلیت آن را بعهدہ گرفتند ولی آنان نیز موفق نشدند و این تشکیلات تعطیل شد. **خانه مطبوعات ایران:** پس از مدتی فترت گروه دیگری از کارفرمایان مطبوعات قدیمی به هوس تشکیل یک تشکل کارفرمایی مطبوعاتی افتادند و این بار این تشکیلات را «خانه مطبوعات ایران» نام نهادند و پس از انتخاب هیأت مدیره جدید، ریاست این تشکیلات را شکرالله صفوی مدیر روزنامه کوشش بعهدہ گرفت.

**کانون نویسندگان:** هر چند کانون نویسندگان که از جمعی نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر که عمدہ کارشان با ناشران کتاب سروکار داشت و با پنج گروه مطبوعاتی یاد شده ارتباط صنفی ندارند، اما به عنوان اهل قلم با مطبوعات همکاری تنگاتنگ داشتند و از این روی در بسیاری از رویدادها در کنار مطبوعاتیان بوده‌اند. این کانون در سال ۱۳۴۷ فعالیت خود را آغاز کرد، در تمام مدت فعالیت چشمگیر هیأت‌های مدیره این کانون، اکثریت آنان زیر فشار ساواک مأموران دولت‌های وقت بودند و مدتی نیز این کانون تعطیل شد و چندی قبل از انقلاب مجدداً فعال شد ولی بعلت اختلاف‌های سیاسی گروهی درون این کانون، منجر به جدایی عده‌ای از کانون گردید. پس از انقلاب «کانون نویسندگان» مجمع عمومی فوق‌العاده کانون را بنا به تقاضای ۱۰۴ تن از اعضای خود در شانزدهم دیماه ۱۳۵۸ تشکیل داد و این کانون مجدداً زیر همان نام فعالیت خود را آغاز کرد که طی آن عده‌ای از اعضای آن، چه به صورت استعفا و چه اخراج از آن جدا شدند.

**شورای نویسندگان و هنرمندان:** اما گروه استعفا دهندگان و اخراج شدگان از کانون نویسندگان طی مجمع عمومی که در مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ در تهران تشکیل دادند موجودیت سازمان تازه خود را تحت عنوان: «شورای نویسندگان و هنرمندان ایران» اعلام کردند.

**انجمن زنان روزنامه‌نگار:** در اوایل سال ۱۳۵۰ عده‌ای از زنان نویسنده و خبرنگار همراه با چند تن از زنان روزنامه‌نگار قدیمی که برخی شان صاحب امتیاز و مدیر مسؤل روزنامه و مجله بودند، طی یک گردهم‌آیی، هیأت مدیره «انجمن زنان روزنامه‌نگار» را انتخاب کردند. این انجمن نزدیک به ۱۰۰ تن عضو داشت ولی اکثریت شان غیرمطبوعاتی و بعضی به کار تحقیق و تألیف در زمینه‌های مختلف اشتغال داشتند. انجمن مذکور در دوران فعالیت خود توانست زنان روزنامه‌نگار را متشکل کند و گام مؤثری در جهت تحقق اهداف جامعه زنان روزنامه‌نگار بردارد و بهمین دلیل تا پایان عمر این انجمن جلسات آن از تحرک لازم برخوردار نبود و پس از مدتی تعطیل شد.

**انجمن مطبوعات ایران وابسته به حزب ایران نوین:** این تشکیلات که نزدیک به چهل تن از صاحبان امتیاز و مدیران مسؤل و مطبوعاتیان وابسته به حزب ایران نوین را دربر می‌گرفت در اواخر دهه ۴۰ بوجود آمد و در سال ۱۳۵۱ عده‌ای از آنان که بدنبال مادیات بیشتر بودند به کارگردانی عباس شاهنده مدیر روزنامه فرمان «شرکت تعاونی روزنامه‌نگاران ایران» را تأسیس کردند و چند تن از آنان توانستند در آن دوران مقداری کاغذ و زمینهایی به نرخ دولتی خریداری کنند، اما با انحلال حزب ایران نوین، این تشکیلات نیز منحل شد.

«کانون مطبوعات علمی ایران» و «مطبوعات کشاورزی ایران»: در همین دوران نیز عده‌ای از صاحبان امتیاز و مدیران جراید تخصصی (علمی، پزشکی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی) این دو سازمان را بوجود آوردند و عده‌ای هم عضو این دو انجمن شدند و چندی هم فعالیت کردند ولی این دو سازمان نیز نتوانستند به کار خود ادامه دهند. برای آگاهی از چگونگی تأسیس و انحلال کانون مطبوعات علمی ایران نگاه کنید به مقاله سید فرید قاسمی مندرج در شماره ۲۶ مجله رسانه.

سندیکای کارکنان اداری وسایل ارتباط جمعی: کارکنان اداری وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً کارکنان اداری مطبوعات بعثت نبود تشکیلات متعلق به خود، این گروه فعال و زحمتکش نامالیقات و تبعیضات زیادی را متحمل می‌شد و بخصوص هرکس که به این ناروایی‌ها اعتراض می‌کرد به راحتی از مؤسسه مطبوعاتی که سالها در آن شاغل بود، اخراجش می‌کردند، بهمین دلیل فکر تشکیل سندیکای مذکور بین این گروه زحمتکش گسترش یافت و در ۲۸ تیرماه ۱۳۵۲ نخستین مجمع عمومی «سندیکای کارکنان اداری وسایل ارتباط جمعی» با حضور گروهی از کارکنان این سازمانها در سالن اجتماعات دبستان فیروزکوهی تشکیل شد. پس از تصویب اساسنامه ۷ تن بعنوان هیأت مدیره و ۲ تن بعنوان بازرس و ۵ تن بعنوان هیأت داوری انتخاب شدند، پس آن در نخستین جلسه هیأت مدیره مهندس جمشید لاجینی بعنوان رئیس و منوچهر فاضل به دبیری سندیکای مذکور انتخاب شدند. و در یک مدت کوتاه اعضای آن به حدی رسید که گواهی حائز بودن اکثریت را از وزارت کار و امور اجتماعی دریافت و در سال ۱۳۵۳ رسمیت سندیکا از سوی وزارت مذکور اعلام شد و نخستین شماره بولتن سندیکا در همان سال منتشر گردید. مجموعاً ۵۰ شماره بولتن در مدت فعالیت این سندیکا چاپ و منتشر شده است. چندی پس از پیروزی انقلاب و تحولاتی که بدنبال داشت و با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت سندیکای مذکور متوقف شد و پس از چندی تعطیل گردید.

کانون خبرنگاران عکاس: این تشکیلات نیز در اوایل دهه ۵۰ به کوشش چند تن از خبرنگاران عکاس و چند تن که به کار عکاسی اشتغال داشتند بوجود آمد. فعالیت این کانون محدود بود و بهمین دلیل تعداد اعضای آن چندان قابل توجه نبود. ولی در سالهای اخیر اتحادیه خبرنگاران عکاس فعال شده.

انجمن سردبیران مطبوعات: در اوایل دهه ۵۰ سردبیران وقت چند نشریه که در راس آنها سردبیر کیهان بود، طی دعوت نامه‌ای از سردبیران نشریات مختلف خواستند تا انجمن مذکور را تأسیس کنند، اما چون کثیری از سردبیران نشریات آن دوره عضو سندیکای نویسندگان و خبرنگاران بودند، در انجمن مذکور عضو نشدند بهمین خاطر انجمن مذکور پا نگرفت.

با تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در سال ۱۳۴۱ در تهران، نمایندگی‌های مطبوعاتی و عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات مقیم شهرهای بزرگ ایران خاصه در مراکز استان، علاقه‌مند به تشکیل چنین تشکیلاتی در شهرهای خود شدند. اما متأسفانه به

علل مختلف، بسیاری از این تشکلهای مطبوعاتی ناموفق بودند. برخی خیلی زود و بعضی دیرتر تعطیل شدند. از جمله سندیکاهایی که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در مراکز استان کشور تأسیس شد و یاد در شرف تأسیس بودند عبارتند از:

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان خوزستان:** در اوایل سال ۱۳۴۵ عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران خوزستان طی اجتماعی یک هیأت مؤسس برای تأسیس «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان خوزستان» انتخاب کرد، هیأت مذکور که به ریاست حسینعلی کاوه چند جلسه تشکیل داد، اساسنامه را جهت تصویب مجمع عمومی تهیه کرد، مجمع نیز در همان اوایل سال ۴۵ تشکیل شد و هیأت مدیره را هم انتخاب کرد ولی این گروه نتوانستند سندیکای مذکور را در استان خوزستان فعال کنند و کارشان به نتیجه نرسید.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران خراسان:** فعالیت برای تأسیس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران خراسان از سال ۱۳۴۵ آغاز و در تیرماه ۱۳۴۶ در اجلاس مجمع عمومی موقت نویسندگان و خبرنگاران خراسان که در سالن اتاق بازرگانی مشهد تشکیل شد پس از اخذ رای هیأت مدیره آن انتخاب شد. در انتخابات داخلی هیأت مدیره، حبیب امامی به دبیری و تقی امینی به ریاست هیأت مدیره و عبدالعلی رضائی خزانه‌دار و فریدون صلاحی بعنوان منشی برگزیده شدند. این سندیکا در سال بعد به ثبت رسید و در سالهای نخستین گام‌هایی در جهت احقاق حق اعضای این صنف برداشت، اما بعد بعزت اختلاف نظر بین اعضاء سندیکای مذکور نتوانست به فعالیت خود ادامه بدهد و تعطیل شد.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران در شرف تأسیس یزد:** محمد حسین سماوات، نماینده و خبرنگار مطبوعات در یزد، در نیمه دوم سال ۱۳۴۹ برای تشکیل سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در یزد فعالیت کرد و طی نامه‌ای از سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات تهران تقاضای همکاری و کمک برای تأسیس سندیکای مذکور کرد، ولی بعداً معلوم نشد این سندیکا تشکیل شد یا نه.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات استان فارس:** مجمع عمومی نویسندگان و خبرنگاران استان فارس در سال ۱۳۴۹ با حضور عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران و نماینده اداره کار و امور اجتماعی استان فارس در سالن شهرداری شیراز برگزار شد و برای مخفی ۷ تن عضو اصلی بشرح زیر برای یکسال انتخاب شدند: استاد علی سامی، صادق همایون، جلال چوبینه، خسرو حقیگو، خانم افسر معرفت، حسن جوادی، قدرت‌اله تمدن‌فر. و ۳ تن اعضای علی‌البدل و دو تن از اعضاء بسمت بازرس انتخاب شدند. پس از تشکیل جلسه هیأت مدیره استادعلی سامی بسمت رئیس هیأت مدیره و صادق همایونی به عنوان دبیر سندیکا انتخاب شدند.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران اصفهان:** در اوایل دهه ۵۰ عده‌ای از نویسندگان و خبرنگاران جراید اصفهان با کمک مسئولان نمایندگی جراید تهران در اصفهان منجمله نمایندگان



روزنامه‌های آیندگان، اطلاعات و کیهان طی تشکیل چند جلسه، گامهایی جهت تشکیل این سندیکا برداشتند و اساسنامه آن را نیز تنظیم و به تصویب هیأت مؤسس رساندند ولی این سندیکا نتوانست کار مؤثری انجام دهد و پس از چندی تعطیل شد.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان گیلان:** بنا به دعوت قبلی جهت تشکیل هیأت مؤسس سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان گیلان، جلسه‌ای با حضور خبرنگاران و نویسندگان استان با نظارت نماینده اعزامی اداره کار استان، در اوایل خرداد ماه ۱۳۵۲ در سالن خانه جوانان رشت تشکیل شد، پس از سخنرانی چند تن از نویسندگان و خبرنگاران منجمه حاج سید صادق اشکوری، هیأت مؤسس سندیکای مذکور انتخاب گردید. چندی بعد طی تشکیل مجمع عمومی هیأت مدیره این سندیکا انتخاب شد و در انتخابات داخلی علی اکبر شامل بسمت دبیری سندیکا انتخاب گردید. فعالیت این سندیکا نیز زیاد نبود.

**سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان آذربایجان شرقی:** در اواخر سال ۱۳۵۴ سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان آذربایجان شرقی با حضور گروهی از نویسندگان و خبرنگاران، موجودیت خود را اعلام کرد. پس از انتخاب هیأت مدیره طی جلسه‌ای در اوایل بهمن همان سال با استنادار وقت آذربایجان ملاقات کرد و مسائل و مشکلات اعضای سندیکا را مطرح می‌کند. در همین زمان یکی از اعضای سندیکا پیشنهاد می‌کند تشکیلاتی بنام «انجمن قلم» در تبریز تشکیل گردد. در نخستین جلسه هیأت مدیره علی نیکرفار بعنوان رئیس و جلال وفایی بعنوان دبیر سندیکای مذکور انتخاب شدند ولی این سندیکا نتوانست بکار خود ادامه دهد و در سال ۱۳۵۶ تعطیل شد.

\* تأسیس سندیکای کارگری در چاپخانه‌ها، با آغاز دهه پنجاه کارگران واحدهای بزرگ مطبوعاتی بطور مستقل برای خود سندیکایی بوجود آوردند.

**سندیکای کارگران گروه انتشارات کیهان:** در اوایل سال ۱۳۵۰ کارگران چاپخانه مؤسسه کیهان طی یک گردهم‌آیی با شرکت اکثریت قریب باتفاق کارگران چاپخانه این مؤسسه، هیأت مدیره سندیکای کارگران گروه انتشارات کیهان را انتخاب کردند و این سندیکا در همان سال به ثبت رسید، اعضای سندیکای مذکور، بیش از اعضای داخلی واحدهای چاپ در دیگر مؤسسات مطبوعاتی بود. نخستین بولتن سندیکای داخلی کارگران انتشارات کیهان تحت عنوان: «بولتن سندیکای کارگران کیهان» در نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۵۵ منتشر شد. این بولتن حاوی اطلاعات مفید برای کارگران، خواسته‌های اعضای سندیکا - طرز کار ماشینهای جدید حروفچینی و مطالب آموزنده دیگری بود.

**انجمن اسلامی کارکنان کیهان:** روز ۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۷ نیز گروهی از کارمندان و کارگران مؤسسه کیهان طی اجتماعی در مؤسسه مذکور، تشکیل «انجمن اسلامی کارکنان کیهان» را اعلام کردند. هیأت مؤسس انجمن مذکور در اساسنامه‌ای که بدین منظور انتشار داده بود متذکر شده بود: «... معجزه وحدت و یکپارچگی ملت تحت لوای اسلام و با رهبری قاطع و سازش ناپذیر توانست نیروهای نهفته ولی پراکنده ملت را تشکل بخشد و کاخهای عظیم امپراطوری را وازگون سازد...» در

این اساسنامه از همه زحمتکشان کیهان اعم از کارگر و کارمند و عضو تحریری دعوت شده بود که به انجمن اسلامی کارکنان کیهان پیوندند و زیر لوای اسلام به قیام ملت خدمت کنند... پیداست که این تشکیلات در دوره محدود خود، سیاسی بوده است.

سندیکای کارگران شرکت ایران چاپ: در مؤسسه اطلاعات نیز کارگران چاپخانه این مؤسسه در دهه پنجاه طی یک اجتماع پرشور در سالن اجتماعات این مؤسسه، هیأت مدیره خود را انتخاب کردند، اعضای هیأت مدیره این سندیکا مخصوصاً دبیر آن فعال بودند و گامهای مؤثری در جهت اتحاد و همبستگی کارگران برداشتند و در اعتصاب چهار روزه و ۶۱ روزه مطبوعاتیان کشور در سال ۱۳۵۷ نقش مؤثری داشتند.

سندیکای کارگران چاپ یادگاران: کارگران چاپخانه آیندگان نیز در دهه ۵۰ دارای تشکیلات اختصاصی بخود شدند و بولتن داخلی آن تحت عنوان «چاپخانه» نشریه داخلی کارگران چاپ یادگاران «آیندگان» چاپ می شد. سندیکای کارگران چاپخانه یادگاران علاوه بر شرکت در دو اعتصاب چهار روزه و ۶۱ روزه مطبوعات کشور، قبلاً نیز در یک اعتصاب داخلی همراه با اعضای تحریری آیندگان شرکت کرده بود.

شورای کارکنان سازمان رادیو و تلویزیون ایران: این شورا بنا به پیشنهاد عده‌ای از اعضای تحریری و کارکنان خبری، سازمانهای مذکور به منظور تأیید اعتصاب مطبوعاتیان و فعالیت در جهت احقاق حقوق از دست رفته کارکنان و مهمتر برقراری هرگونه ارتباط مفید با مردم در مهرماه ۱۳۵۷ در تهران زیر نام «شورای نمایندگان کارکنان خبر و بخش سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران» موجودیت خود را اعلام کرد و تا چند ماه پس از انقلاب اعضای هیأت مدیره این سازمان فعالیت چشمگیری داشت، سپس تعطیل شد.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات: این انجمن روز ۱۹ آذرماه ۱۳۵۷ که مصادف بود با روز جهانی حقوق بشر، طی جلسه‌ای با شرکت عده‌ای از نویسندگان، مترجمان، شعرا، حقوق دانان، استادان دانشگاه و گروهی از مطبوعاتیان در منزل شادروان حسن صدر تشکیل شد و موجودیت خود را اعلام کرد. اساسنامه این انجمن که در شش فصل (بیست و هشت ماده و ۳ تبصره تنظیم شده بود، به اتفاق آرا به تصویب رسید. حسن صدر ریاست این انجمن را بعهده داشت، این جانب همراه با ۲۵ تن عضو مؤسس این انجمن بودیم.

تعاونی مطبوعات: در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۷ در نشستی با حضور ۳۲ تن صاحب امتیاز و مدیر مسؤول روزنامه و مجله منتشره در کشور، در تهران ۳ تن از شرکت کنندگان در جلسه مذکور به عنوان هیأت مؤسس انتخاب شدند. از جمله تصمیمات این جلسه برگزاری مجمع عمومی (مؤسس) بود و پس از برگزاری این مجمع نخستین اعضای هیأت مدیره تعاونی مطبوعات کشور به این شرح انتخاب شدند: دکتر گوردز افتخار جهرمی - محمد مهدی عبدخدایی - غفور گرشاسبی - مهندس نادر کاووسی - فریدون گل افرا. فعالیت‌های تعاونی مطبوعات ابتدا در دفتر مجله کشاورز و

زیر نظر دکتر گل افرا ادامه یافت، اما از پائیز ۱۳۶۹ با انتخاب محمد محسن سازگارا مدیر هفته نامه آینه به عنوان مدیر عامل تعاونی مطبوعات، دوره جدیدی از فعالیت ها را آغاز کرد در سالهای اخیر چند مجمع عمومی این تعاونی تشکیل شده و تغییراتی در هیأت اجرایی آن انجام گرفته است همچنین در سال ۷۳ محل دفتر تعاونی مطبوعات تغییر کرد و به ساختمان جدیدی که در میدان ۷ تیر احداث شده منتقل شد. «کارنامه مطبوعات» نام نشریه ایست که ارگان این تشکیلات است و بطور ماهانه به قطع خشتی در ۸ تا ۱۲ صفحه به صاحب امتیازی تعاونی مطبوعات و مدیر مسؤلی علی اکبر قاضی زاده و مسؤل اجرایی محمد کسایی زاده (در حال حاضر به مدیر مسؤلی خانم سهیلا رضایی) چاپ و منتشر می شود و شماره ۵۵ آن در اردیبهشت ۷۵ منتشر شده است. یکی از مدیران مسؤل در این تشکیلات گفت: «تعاونی مطبوعات در اصل برای تأمین نیازهای مدیران مسؤل یا صاحبان امتیاز نشریات تشکیل شده است و مهمترین این نیازها، تأمین کاغذ و فیلم و زینک است» در این مدت علاوه بر تأمین این نیاز در سال ۱۳۷۰ توانست با موافقت رئیس جمهور تعداد ۱۰۰ دستگاه وانت برای مطبوعات مختلف تهیه کند و برای کارکنان نشریات عضو امکان تأمین ۳۰۰ دستگاه مسکن را ایجاد کند و موافقت بنیاد مستضعفان را برای واگذاری تعدادی موتور سیکلت به دفاتر مطبوعات کوچک جلب کند. در سال ۷۳ آقای سازگارا از قبول مسؤلیت جدید خودداری کرد و در پائیز سال ۷۴ نیز آقای علی اکبر قاضی زاده از عضویت در هیأت مدیره جدید شرکت تعاونی مطبوعات کشور استعفا داد.

**گروه ورزشی نویسان و عکاسان خبرنگار ورزشی عضو سندیکا:** در نیمه اول سال ۱۳۵۲ که گروه ورزشی نویسان عضو سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ضمن جلسه ای که در محل دبیرخانه سندیکا تشکیل دادند، هیأت رئیسه گروه خود را انتخاب کردند و این گروه بعنوان یک تشکل فعال، بسیار سریع اثر وجود خود را در ایران آشکار کرد و در محافل ورزشی خارج از کشور نیز کسب احترام و اعتبار کرد و در مذاکرات شفاهی که مقامات اتحادیه بین المللی نویسندگان و خبرنگاران ورزشی در نیمه دوم سال ۱۳۵۲ در تهران با اعضای هیأت رئیسه گروه مذکور داشتند از عضویت گروه در اتحادیه استقبال کردند و مدارک و اسناد اتحادیه را برای گروه فرستادند. وقتی گروه مذکور درخواست عضویت در انجمن ورزشی نویسان جهانی بنام «ایپیز» (A.I.P.S) با هیأت مدیره وقت سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در میان گذاشت، هیأت مدیره سندیکا متذکر شد، باتوجه به آیین نامه ای که در اوایل دهه ۴۰ رعایت قوانین جاری کشور تهیه شده بهر صورت دوستان باید از گرفتن کارت صادره وزارت اطلاعات (در آن روزگار وزارت اطلاعات و جهانگردی مسؤل رسیدگی به امور مطبوعات بود) که گرفتن آن به منزله قبول و تأیید آیین نامه مذکور است خودداری کنند و آن عده از دوستان که به هر طریق این نوع کارت به نامشان صادر شده، کارت صادره را همراه با شرحی به این مضمون از همان طریق بازگردانند: «چون بنای صدور این کارت آیین نامه خبرنگاری مورخ بهمن ماه ۱۳۴۳ است که از بدو اعلام مورد انتقاد و رد بسندیکای

نویسندگان و خبرنگاران قرار گرفته است و تا این تاریخ معوق مانده است تا از جانب سندیکا دستور صریح صادر نشود که مبنای صدور کارت آیین نامه موصوف نیست از پذیرفتن کارت معذوریم.» به علت کارشکنی های مقام های مسؤول در وزارت اطلاعات وقت، مخصوصاً در مورد اجبار در اخذ کارت خبرنگاری از آن وزارت، گروه ورزشی نویسان نتوانست در کار تشکیلاتی موفق شود.

انجمن مطبوعات ورزشی نویسان: در نیمه دوم سال ۱۳۶۹ نیز گروهی از نویسندگان و خبرنگاران ورزشی، عکاسان خبرنگار، گزارشگران ورزشی مطبوعات و خبرنگارهای رادیو-تلویزیون و تهیه کنندگان فیلمهای ورزشی، طی اجتماعی در یکی از سالن های سازمان ورزشی جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه این انجمن را در ۱۱ ماده و ۳ تبصره زیر عنوان: «انجمن مطبوعات ورزشی جمهوری اسلامی ایران» وابسته به کمیته ملی المپیک ایران به تصویب رساند. این تشکیلات کار خود را تحت نظارت کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد و با اینکه مدتی هم به فعالیت خود ادامه داد از آنجا که کمیته ملی المپیک قصد داشت نمایندگانی از جانب خود و یا به انتصاب از جانب خود به فدراسیون آسیایی المپیک بفرستد، انجمن مذکور از اجرای این موضوع خودداری کرد و کمیته ملی المپیک از جانب و به انتخاب خود عده ای را به فدراسیون آسیایی المپیک فرستاد که در نتیجه آن هیأت مدیره انجمن بصورت نوعی اعتراض از حضور در جلسات خودداری کرد و به این ترتیب پس از مدتی آن انجمن عملاً تعطیل شد.

انجمن نویسندگان ورزشی و عکاسان ورزشی: بار دیگر در پائیز ۱۳۷۴ بنا به دعوت عده ای از ورزشی نویسان و خبرنگاران عکاس ورزشی مجمع عمومی زیر نام «انجمن نویسندگان ورزشی و خبرنگاران عکاس ورزشی» در سالن اجتماعات دفتر مشترک فدراسیونهای ورزشی ایران تشکیل شد در این مجمع علاوه بر حضور عده ای از ورزشی نویسان، نماینده وزارت کشور و نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نماینده کمیته ملی المپیک و نماینده سازمان تربیت بدنی ایران حضور داشتند. در همین جلسه هیأت مدیره و اعضای علی البدل و بازرسان انتخاب شدند. قابل ذکر است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی آگهی های مرتب در مطبوعات اعلام کرده بود خبرنگاران و ورزشی نویسانی می توانند در مجمع عمومی شرکت کنند که قبلاً کارت خبرنگاری خود را از آن وزارتخانه دریافت کرده باشند و بنا به گفته عده ای از آنان چون راهی جز قبول دریافت کارت از آن وزارتخانه را نداشتند مجبور به دریافت کارت خبرنگاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شدند تا بتوانند در مجمع عمومی برای انتخاب هیأت مدیره انجمن شرکت کنند.

انجمن سینمایی نویسان: نشر اخبار و گزارش ها و نقدهای سینمایی در مطبوعات ایران، توسط نویسندگان و منتقدان نزدیک به هشت دهه قبل می رسد. قبل از انتشار جراید سینمایی و هنری، اخبار و نقد سینمایی در روزنامه ها و مجله های غیر سینمایی درج می گردید. اما حدود ۷۶ سال است علاوه بر درج اخبار و نقد سینمایی که در شکل و قطع های متفاوت چاپ و منتشر می شود درج می گردد.

شایان ذکر است که عده‌ای از نویسندگان و منتقدین سینما و تأثر علاوه بر نویسندگی از پژوهشگران و شاعران بنام کشور بوده و هستند. جالب‌تر اینکه عده‌ای از آنان در راه تأسیس تشکل‌های هنری و سینمایی مانند: «کانون فیلم نامه‌نویسان» و انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی» گام‌های مؤثری برداشته‌اند که خود نیاز به بحث مفصل دارد و در اینجا به اختصار به آن اشاره می‌شود و مشروح آن در کتاب «تشکل‌ها صنفی مطبوعات» که در دست تنظیم است درج خواهد شد.

نخستین بار تأسیس تشکلی جهت حمایت از منتقدان و نویسندگان فیلم و سینما و تأثر چند سال قبل از شهریور ۲۰ بود و از جمله کسانی که نخستین بار در این راه گام برداشتند عبارت بودند از: آقایان علی وکیلی، اسحاق زنجانی، علی‌اکبر معز، عبدالحسین سپنتا معزالدین فکری، و پس از شهریور ۱۳۲۰ چندتن دیگر به این جمع پیوستند که عبارت بودند از: آقایان حسینعلی مستعان، احمد شهیدی، هوشنگ کاوسی، نعمت‌الله ناظری، علی‌اصغر معز و چندتن دیگر.

در دهه ۳۰ عده بیشتری از نویسندگان و منتقدین فیلم و سینما از جمله آقایان دکتر هوشنگ کاوسی، سیامک پورزند، طغرل افشار، فرهاد فروهی، فرخ غفاری، فریدون رهنما و... جهت تأسیس «انجمن منتقدین فیلم و سینما» به فعالیت خود افزودند.

گفتنی است که در همین دوران گروه دیگری از دست‌درکاران این رشته از جمله آقایان کاظم اسماعیلی، کیومرث وثوق، امیرحسین فرهنگ و چندتن دیگر برای تأسیس چنین تشکلی به طور جداگانه به فعالیت پرداختند و هر دو گروه جلسه‌هایی برای تهیه و تدوین اساسنامه در خانه‌ها و محل کار خود تشکیل می‌دادند.

در دهه ۴۰ نیز برای ایجاد این تشکل، نویسندگان و منتقدان و فیلم‌نامه‌نویسان دیگری منجمله: بیژن خرسند، نصرت‌الله کریمی، علی‌عباسی، جمال امید، علی‌کسمایی، جمشید ارجمند، پرویز نوری، احمد کریمی، تقی مختار، ماشاءالله ناظریان، شاپور منصف، علی مرتضوی، سیروس قهرمانی، محمد علی عسکری کامران، سعید برومند، اردشیر مهاجر و چندتن دیگر از دو گروه نامبرده در بالا به فعالیت خود بیش از گذشته پرداختند و در این زمینه عده‌ای از پیشکسوتان این رشته به آنان کمک کردند و گروهی از آنان که عضو سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بودند جلسه‌های صنفی خود را در دبیرخانه سندیکا تشکیل می‌دادند.

یادآوری می‌شود در حالیکه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به تعداد نشریه‌های هنری، فیلم و سینما افزوده می‌شود فعالیت‌های تشکیلاتی این گروه‌ها همچنان به جلسه‌های دوره‌ای محدود بود و در اواخر دهه ۵۰ این فعالیت‌ها تقریباً متوقف شد.

در نیمه دوم دهه شصت مجدداً عده‌ای از فیلم‌نامه‌نویسان برای تأسیس کانون و گروهی دیگر از منتقدان و نویسندگان سینمایی جهت تأسیس انجمن گردهم آمدند و پایه‌های این دو تشکل را گذاشتند ولی در دهه ۶۰ به نتیجه نرسیدند، در دهه ۷۰ هر دو گروه مجدداً به فعالیت پرداختند و فیلم

نامه نویسان پس از تشکیل مجمع عمومی و تصویب اساسنامه «کانون فیلم نامه نویسان» را تشکیل دادند و هیأت مدیره آن نیز انتخاب شد و آقای ابوالحسن داودی ریاست آن را بعهده گرفت ولی پس از مدتی فعالیت آنان کاهش یافت بحدی که در این اواخر از فعالیت آنان کمتر اثری می توان یافت. گروه منتقدان و نویسندگان سینمایی نیز پس از چندبار تشکیل جلسه و مجامع عمومی عادی و فوق العاده و گردهم آیی های متعدد، ابتدا شورایی تشکیل دادند ولی بعلت عدم شرکت اکثریت در جلسه های این شورا با مشکلاتی روبرو شد تا اینکه در تاریخ ۷۵/۳/۱۳ مجمع عمومی فوق العاده انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران در محل خانه سینما برگزار شد و پس از گزارش شورای مرکزی پیرامون لغو عضویت ۱۵ تن از اعضا را که بر طبق اساسنامه برخوردار از شرایط عضویت نبودند تصویب کرد، سپس انتخابات شورای مرکزی و بازرسی انجام شد و در نتیجه آقایان: روبرت صاقاریان، حسن ملکی، مهرداد فرید، اکبر محمدآبادی، مسعود فراستی، محمد سلیمانی، و رضا درستکار به عنوان اعضای اصلی شورای مرکزی. جبار آذین و محسن سیف به عنوان اعضای علی البدل و داود مسلمی به عنوان بازرس انجمن انتخاب شدند.

**انجمن ویراستاران مجلات علمی ایران:** ویراستاران مجلات علمی در سال ۱۳۷۱ تصمیم به ایجاد تشکل صنفی خود گرفتند. اولین گردهمایی ویراستاران مجلات علمی ایران در روز چهارشنبه دوم دیماه ۱۳۷۱ با حضور نمایندگان ۱۶ مجله در سالن اجتماعات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران - ناشر فصلنامه آبادی - تشکیل شد. مؤسسان این انجمن پیش نویس اساسنامه انجمن را به نشانی مجله های علمی ارسال کردند تا در دومین گردهمایی مطرح و با اصلاحات احتمالی به تصویب برسد. پس از آن دیگر درباره این انجمن خبری نشنیده ام و نمی دانم به حیات خود ادامه داد یا خیر؟

\*\*\*

در سالهای اخیر بارها صحبت از وجود تشکیلات صنفی متشکل از مطبوعاتیان شده است، حال آنکه متأسفانه هنوز هم بسیاری از مؤولان و دست در کاران مطبوعات نمی دانند که در مطبوعات پنج گروه شغلی وجود دارد که به هیچ وجه منافع مشترک ندارند و از این رو نمی توان آنان را در تشکیلات صنفی واحدی متشکل کرد. این پنج گروه عبارتند از: اعضای تحریری، که به آنان ژورنالیست می گویند، «کارکنان مطبوعات» یعنی کادر دفتری و اداری، و «کارگران چاپخانه ها»، «صاحبان امتیاز و سرمایه گذاران جراید» و «صاحبان چاپخانه ها» و بالاخره «فروشدگان جراید». بدیهی است که هر یک از این گروهها دارای حقوق و منافع صنفی خاص خود هستند و برای دفاع از حقوق و حرفه خاص خویش به تشکیلات خاص خود نیاز دارند. مثلاً «صاحبان امتیاز و سرمایه گذاران مطبوعات» یعنی مدیران اصلی جراید که دارای منافع مشترک هستند (که تقریباً در چند سال اخیر زیر نام «تعاونی مطبوعات» متشکل شده اند) محتاج تشکیلات ویژه خود یعنی کارفرمایی هستند و اعضای تحریری یعنی «ژورنالیست ها» شامل نویسندگان، خبرنگاران، دبیران،

سر دبیران، کاریکاتوریست‌ها، مترجمان، عکاسان خبری، طراحان و گرافیک‌سازها، که بیش از ۳۵ سال است در تشکیلاتی به نام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات متشکل شده‌اند. همچنین است در مورد «کارکنان اداری و سایل ارتباط جمعی» که امور اداری و دفتری مؤسسات مطبوعاتی را به عهده دارند، نیازمند تشکیلات جداگانه‌ای هستند. چنانکه سابقاً هم چنین تشکیلاتی داشتند، «صاحبان چاپخانه‌ها» و به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران در «صنعت چاپ» و «کارگران چاپخانه‌ها» که آنان نیز در چند دهه اخیر هرکدامشان تشکیلات جداگانه‌ای داشته و دارند و امید است بعد از این نیز هرکدام تشکیلاتشان را بصورت جداگانه نگهدارند، حتی «فروشنندگان جراید» که آنان نیز بطور جداگانه در تهران و بسیاری شهرستانها دارای تشکیلاتی هستند.

پس نتیجه می‌گیریم که این گروه‌ها هر کدام از لحاظ اجتماعی و حرفه‌یی دارای حقوق و منافع هستند و گاهی این حقوق کاملاً با یکدیگر تضاد دارند، مانند حقوق صنفی اعضای تحریری مطبوعات با حقوق صاحبان امتیاز، که در برابر هم قرار دارند و باید تشکیلات جداگانه‌ای داشته باشند و اگر روزی خواستند با هم متحد شوند می‌توانند با حفظ سازمانهای خود، نمایندگانی از سوی تشکیلات خود انتخاب کنند و به یک واحد بزرگ صنفی جداگانه‌ای که می‌توان نام آن را «اتحادیه مشاغل وابسته به مطبوعات کشور» گذاشت که متشکل از نمایندگان این تشکیلات است از خواسته‌های قانونی این سازمان‌ها دفاع کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی